

تأثیرات نهضت تنباکو بر عملکرد سیاسی اجتماعی روحانیت

مرتضی سلیمانی نسب*

چکیده

نهضت تحریم تنباکو یکی از مهم‌ترین جنبش‌های تاریخ معاصر ایران است که توانسته تأثیر زیادی بر تحولات سیاسی اجتماعی پس از خود داشته باشد. در این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که نهضت تحریم تنباکو به صورت مستقیم و غیرمستقیم چه پیامدها و تأثیراتی بر عملکرد سیاسی اجتماعی روحانیت شیعه در ایران داشته است؟

برای پاسخ به سؤال فوق به روش توصیفی تحلیلی، عملکرد و موضع گیری‌های علما و روحانیت در قالب تحولات سیاسی اجتماعی بعد از پیروزی نهضت تنباکو در متون تاریخی این دوره مورد بررسی قرار گرفت که این نتایج را به دنبال داشت: نهضت تحریم تنباکو در سه بعد مبارزه با استبداد، مبارزه با استعمار و تقویت جایگاه سیاسی اجتماعی علما تأثیرات فراوانی بر مدل موضع گیری و تصمیم گیری‌های کلان و راهبردی ایشان در حوزه مسائل سیاسی اجتماعی داشته است. از جمله تأثیرات این نهضت در بعد مبارزه با استبداد می‌توان به شکسته شدن ابهت شاهی و قتل ناصرالدین‌شاه توسط یکی فرد روحانی، محدود کردن اختیارات شاه در نهضت عدالت‌خانه و مشروطه به رهبری علما و نهایتاً نفی اساس استبداد در نهضت امام خمینی اشاره کرد. در بعد مبارزه با استعمار می‌توان به حمایت علمای شیعه از کالاهای داخلی و تولید ملی و تحریم کالاهای خارجی و مقابله با تهدیدات نظامی استعمار اشاره کرد و در بعد سوم نیز می‌توان به تقویت رابطه سیاسی اجتماعی علما با مردم، تقویت جایگاه علما در داخل و خارج از کشور و نهایتاً تأسیس نظام مبتنی بر ولایت فقیه اشاره کرد. لذا می‌توان گفت این نهضت یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نهضت‌ها و تحولات سیاسی اجتماعی معاصر بر موضع گیری‌های علما و روحانیون بوده است.

واژگان کلیدی: نهضت تنباکو، پیامدها و تأثیرات، عملکرد سیاسی اجتماعی، علما و روحانیون.

* دانش‌پژوه سطح ۳ رشته مشاوره اسلامی

مقدمه:

مسأله نهضت تنباکو از یک سو سند گویایی بر رهبری روحانیت و مقاومت همبستگی مردم متعهد این سرزمین در پاسداری از ارزش‌های اسلامی و دفاع از استقلال و آزادی است و از سویی دیگر با ماهیتی ضد استعماری و همراه با انگیزه‌های اسلامی نقش بسیار مهمی در تاریخ معاصر ایران و بیداری مردم این سرزمین در دفاع از سرمایه‌های ملی ایفا نموده است. حال این مقاله در صدد آنست که به پیامدها و تأثیرات این واقعه مهم تاریخی بر اقدامات و عملکرد سیاسی اجتماعی روحانیت شیعه با توجه به نقش رهبری آنها در راستای حفظ فرهنگ اسلامی و سرمایه‌های ملی از بعد از نهضت تنباکو تا پیروزی انقلاب اسلامی بپردازد؛ و از آنجایی که دو مانع اصلی پیشرفت ایران اسلامی استبداد داخلی و استعمار خارجی بوده این تحقیق در صدد تبیین تأثیر نهضت تنباکو بر عملکرد علما و روحانیت در این دو حوزه، و ارتقای جایگاه سیاسی اجتماعی ایشان در جنبش‌های بعد از نهضت تنباکو می باشد.

شایان ذکر است که راجع به تاریخ معاصر ایران و نقش روحانیون، علما و مراجع در صحنه‌های حساس تاریخی بویژه نهضت تنباکو کتاب‌ها و مقالات بسیار خوب و ارزنده ایی به رشته تحریر در آمده است؛ منتهی با جستاری که صورت گرفت نوشته ایی که به موضوع این رساله به صورت منسجم و یکجا پرداخته باشد کمتر به چشم خورد. برخی از منابع مثل مقاله «روحانیت پیش و پس از مشروطه» نوشته جمعی از نویسندگان که به تغییر مواضع علما در این دو دوره پرداخته است. «فلسفه سیاسی نهضت عدالتخانه» مرحوم ابوالحسنی منذر که به تناسب بحث به برخی از پیامدهای نهضت تنباکو بر عملکرد سیاسی اجتماعی روحانیت اشاره کرده اند. در مقاله «نقش ولایت فقیه در صیانت از فرهنگ اسلامی ایرانی در جنبش تنباکو» جوانبی از این موضوع را مورد بررسی قرار داده است. همچنین کتاب «تاریخ دخانیه» مرحوم کربلایی که حدود چند صفحه ای به این بحث پرداخته و بیشتر به صورت نقل وقایع می باشد. مقاله نقش و آثار شرکت اسلامی در اندیشه خودکفایی به قلم آقای مصطفی مرتضوی که صرفاً به یکی از اقدامات مذکور، یعنی شرکت اسلامی پرداخته است. همچنین مقاله رهیافت امنیتی



تأثیرات نهضت تنباکو بر عملکرد سیاسی اجتماعی روحانیت

آقانو‌الله نجفی و شهید مدرس به قلم آقای رشید رکامیان که به مباحث امنیتی در بعد فرهنگی، قضایی، نظامی و اقتصادی پرداخته که یک بعد آن، یعنی بعد اقتصادی با این مقاله نزدیک است، آن هم صرفاً در خصوص اقدام اقتصادی آقانو‌الله به ویژه شرکت اسلامیة. همچنین مقاله ده فتوای مذهبی - سیاسی متعلق به آیت الله استادی که ایشان نیز تعداد محدودی از فتوای علما را به صورت سند تاریخی ذکر کرده اند و تحلیل چندانی درباره محتوای آن ندارند. همچنین مقاله پیکار پیروز مرجعیت شیعه علیه استعمار انگلیس که به تفصیل به دو اقدام مرحوم کنی و مرحوم شیرازی در قراردادهای رویتر و رژی پرداخته است. مقاله‌ای نیز با عنوان مبانی فقهی حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی تألیف رضا اسلامی منتشر شده که صرفاً به مبانی فقهی بحث پرداخته است، نه نمونه‌های تاریخی. اما وجه امتیاز این مقاله آنست که در صدد پرداختن به میزان تأثیر گذاری نهضت تاریخ ساز تنباکو بر عملکرد سیاسی اجتماعی علما و روحانیت شیعه در حرکت‌ها و جنبش‌های پس از خود به صورت تحلیلی و منسجم می‌باشد.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای نهضت تنباکو امتزاج دین و سیاست به صورت گسترده و بی‌سابقه در ایران بود که نهایتاً ورود مستقیم و بیش‌ازپیش علما و روحانیون به عالم سیاست را در پی داشت. بر اساس حکم شرعی یک فقیه، ملت توانستند با هدایت رهبران دینی در یک امر سیاسی اجتماعی، استبداد و استعمار را به زانو درآورده و در مرحله عمل برخلاف خواست دستگاه حکومت، حق قانونی و شرعی خود را به کرسی بنشانند. در واقع نهضت تنباکو از جهت تأثیرگذاری بر مواضع هوشمندانه علما و روحانیون در جنبش‌های پس از خود و در راستای عدم سکولاریزه شدن نهاد مذهب و عناصر سیاسی آن، نقش بسزایی را ایفا کرد؛ چرا که علما و روحانیت با پیروزی در این مبارزه بیش‌ازپیش به اهمیت جایگاه خود در هدایت کلی جامعه و نجات مردم از ظلم استبداد و استعمار پی بردند و قدرت آنها به ویژه رهبری نهضت روز به روز افزایش یافت.

تأثیرات نهضت تنباکو در جهت مبارزه با استبداد

درواقع جنبش تنباکو اولین مقاومت همگانی مردم ایران در برابر سلطنت بی‌قیدوبندی و استبداد شاهی بود که بر مدل تصمیم‌گیری و عملکرد سیاسی اجتماعی علما در برابر حراج سرمایه‌های ملی از جانب دستگاه حکومت تأثیرات فراوانی گذاشت. جان فوران در این خصوص می‌گوید:

«در این بین فتوای تاریخ‌ساز میرزای شیرازی، ضمن جلوگیری از حراج سرمایه‌های مملکت، نخستین جنبش گسترده مردمی علیه سلطه داخلی و خارجی را شکل داد و تأثیرات به‌سزایی در تحولات بعدی ایران گذاشت.»^۱

شاگردان مرحوم میرزای شیرازی پس از جریان نهضت تنباکو مسیر استاد و جریان فکری ایشان را دنبال کرده و با حضور هر چه بیشتر در صحنه‌های حساس حکومتی قدرت فهم، درک و آگاهی سیاسی اجتماعی را افزایش داده و نقش مسئولانه مردم را در جهت استیفای حقوق قانونی خود زنده کردند تا اگر در هر زمان و مکانی انحرافی از دستگاه حاکمه مشاهده کردند، در مقابل آن ایستادگی کنند. مرحوم مدرس در این باره چنین اظهار می‌کند:

«بالاخره این واقعه تاریخی، نظام سلطنت را سست و از اقتدار انداخت. قدرت و احترام فرد یا حکومت، ریشه در قلوب مردم دارد. اگر این ریشه آسیب دید، درخت قدرت‌ها زرد می‌شود و کم‌کم می‌خشکد و طوفانی و تبری آن را از ریشه برمی‌کند. واقعه دخانیه تویی بود که سحرگاه مردم تیزهوش خفته را بیدار کرد و به‌طور طبیعی از زلزله شدیدی که متعاقب آن بایستی به وقوع بپیوندد، باخبرشان نمود.»^۲

به‌طور کلی اقدامات و موضع‌گیری‌های علما در بخش استبداد ستیزی نهضت تنباکو را می‌توان در سه محور مطرح کرد:

۱. فوران، جان، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ص ۲۵۰.

۲. نجفی، موسی و جعفریان، رسول، سده تحریم تنباکو «مقاله نگاه مدرس به واقعه تنباکو» علی مدرس، صص ۱۳۴ - ۱۳۹.



محور اول: شکسته شدن ابهت شاه و قتل ناصرالدین شاه

پادشاهان قاجاری و همدستان آنان به خاطر خودکامگی و ظلم‌های فراوانی که بر مردم روا می‌داشتند، یک هیبت تصنعی همراه با وحشت و اضطراب در دل مردم ایجاد کرده بودند که کسی را جرأت اعتراض و انتقاد به شاه و دستگاه حکومت نبود. اگر چه تا قبل از نهضت تحریم تنباکو اعتراضاتی از جانب علما و مردم به طور کلی و غیرصریح به دستگاه حکومت می‌شد اما به جهت خفقانی که از طرف شاه و مأموران دربار ایجاد شده بود، به یک حرکت مردمی و جنبش ملی تبدیل نمی‌شد؛ اما در واقعه نهضت تنباکو بدلیل هماهنگی مردم و رهبران دینی این گوی هیبت و ابهت توخالی و ظاهری شکست و از همان ابتدای نهضت با بی‌اعتنایی مردم و علما به احکام صادره توسط شاه باب انتقاد و اعتراضات علیه دستگاه حکومت و حتی شخص شاه باز شد.

از این جهت مشاهده می‌شود که پس از اعلان رسمی امتیاز تنباکو توسط دولت، هیئت‌های فرنگی به‌عنوان وکلای کمپانی، با حکم رسمی از طرف شاه دربار به سمت شهرها و مناطق مختلف روانه می‌شوند اما مردم با شنیدن حکم میرزای شیرازی در تلگراف به ناصرالدین شاه که امتیاز انحصاری توتون و تنباکو را بر خلاف مذهب دانسته بود مغازه‌ها را بستند و به بیوت مجتهدین شهر پناهنده شدند و هیچ‌گونه اهمیتی به احکام صادره از شاه نگذاشته و علیه آن‌ها موضع گرفتند. به طور مثال در فارس مرحوم فال اسیری این‌چنین مردم را آماده مبارزه می‌کند:

«موقع جهاد عمومی است. ای مردم بکوشید تا جامعه زنان نپوشید من یک شمشیر و دو قطره خون دارم، هر بیگانه‌ای که برای انحصار دخانیات به شیراز بیاید، شکمش را با این شمشیر پاره خواهم کرد.»^۱

در تبریز نیز مردم به سمت بیت آیت‌الله میرزا جواد آقا تبریزی رفتند خواستار لغو قرارداد شدند و شاه و درباریان را تهدید کردند اگر چنانچه مخالفت کنند، مقاومت مسلحانه صورت خواهد گرفت.^۲

شکستن ابهت دستگاه حاکمه با مخالفت مردم در دیگر شهرهای بزرگ نیز به وقوع پیوست و حتی در بعضی شهرها به درگیری مسلحانه منجر شد. این فقرات تاریخی

۱. تیموری، ابراهیم، همان، ص ۶۹.

۲. الکار، حامد، همان، ص ۲۹۱.

نشان‌دهنده آن است که علاوه بر تخریب هیبت سلطانی و شکسته شدن ابهت شاه و جایگاه سلطنت، مردم نیز به تبعیت از رهبران مذهبی و دینی، هیچ‌وقعی به دستورات و احکام صادره از جانب دستگاه حکومت نگذاشته و در مقابل آن‌ها علم مخالفت نیز بلند می‌کردند. پس از گذشت چند ماه از مخالفت‌های مردمی و رایزنی‌های مختلفِ دربار با علمای تهران برای دور زدن فتوای تحریم و نتیجه نگرفتن آن‌ها، ناصرالدین‌شاه تصمیم به تبعید آیت‌الله میرزای آشتیانی می‌گیرد.^۱

این خبر به سرعت در شهر پخش شد و مردم دسته‌دسته رو به بیت مرحوم آشتیانی روانه شدند. هنگام ظهر جمعیت انبوهی از زنان نیز به معترضین افزوده شده و همگی به سمت ارگ شاهی روانه شدند. در ادامه مرحوم کربلایی صحنه اعتراضات را این‌چنین به تصویر می‌کشد:

«این جمعیت زنان که در هنگامه جویی پیش‌آهنگ شورشیان بودند. نخست طرف خطابی را که در نظر خود معین داشتند، به اسم شاه باجی، شاه باجی سبیلو، مخاطب ساخته، بنای هرزه‌گویی گذاشتند و نسبت‌های ناروا و نسبت‌های ناسزا و از هرگونه گفتار زشت و قبیح آنچه به خاطر هر یک خطوط نمود، درباره مخاطب، به صداهای خیلی بلند و صاف و صریح گفتند و شمردند و در مقام هریک عرض و ناموس زنده و مرده مخاطب خودشان، از هر قسم فحش و دشنام و نفرین و بدگویی ابداً خودداری نداشته تا آنجا که به تصورشان می‌رسید از هیچ رو فروگذاری نکردند.»^۲

از این فقره‌های تاریخی معلوم می‌شود که چقدر موقعیت شاه و جایگاه سلطنت و درباریان در انداز عمومی تنزل یافته بود که حتی قشر زنان نیز به این صورت در دفاع از جایگاه مرجعیت، دستگاه حاکمه را به باد سخریه و فحش و ناسزا می‌گیرند. در دست‌نوشته‌های سفیر انگلیس که به تهران سفر کرده، در ادامه شکسته شدن پی‌درپی ابهت شاه و تنزل یافتن جایگاه سلطنت می‌خوانیم که:

«انتقاد از شاه منحصر به طبقات بالای جامعه نیست، بلکه بدگویی از شاه را از همه طبقات مردم می‌شنویم. این ناسزاگویی از پرده برون افتاده و به حدی

۱. حسن، کربلایی، همان، ص ۱۰۱.

۲. همان، ص ۱۰۳.



رسیده که تاکنون در ایران سابقه نداشته است.^۱

سید حسن مدرس که خود از معاصرین واقعه تنباکوست چنین می‌گوید:

«در تاریخ، سلطنت احترامی الهی دارد و شاه همواره سایه خدا بوده است. قیام تنباکو بود که این قداست را شکست. وقتی این ظرف چینی بشکند دیگر مثل اولش صحیح و سالم به هم نمی‌چسبد. اقتدار شاهان در ایران با این نهضت شکسته شد و مرحله بعدی یعنی نهضت مشروطیت نیز از همین جا کلید خورد.»^۲

تا اینکه اوج شکسته شدن ابهت شاه و دستگاه حکومت را آنجا مشاهده می‌کنیم که پس از فزونی ظلم و بی بندوباری‌های بی‌قیدوبند درباریان از طرفی و تقلیل جایگاه شاهی در منظر عمومی از طرفی دیگر، میرزای کرمانی که مدتی را به تحصیل علوم حوزوی و دانش طب اسلامی مشغول بود^۳ و در جریان نهضت تنباکو نیز با نطق‌های آتشین خود تهدیدی برای دستگاه حکومت محسوب می‌شد^۴ ناصرالدین‌شاه را در حال برگشتن از زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام با ضرب گلوله از پای درمی‌آورد و به حکومت چهل‌ساله او پایان می‌دهد.^۵

محور دوم: نهضت عدالت‌خانه و مشروطه و محدودکردن اختیارات شاه

مهم‌ترین عامل زیر بنایی نهضت عدالت‌خانه قیام تحریم تنباکو و اعتلای کلمه ملت است.^۶ لذا پس از پیروزی کامل نهضت تنباکو با رهبری مرحوم میرزای شیرازی و شاگردان برجسته ایشان با ایجاد روحیه خودباوری در مردم، سطح برداشت‌ها و انتظارات واقعی جامعه از حکومت بالا رفت. رهبران دینی مشروطه که غالباً از بازماندگان مکتب مرحوم میرزای بزرگ بودند و می‌توان گفت مهم‌ترین حلقه وصل بین دو جنبش تنباکو

۱. آدمیت، فریدون، *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*، ص ۲۷.

۲. نجفی، موسی و جعفریان، رسول، *سده تحریم تنباکو*، مقاله «نگاه مدرس به واقعه دخانیه» علی مدرس، ص ۱۳۴-۱۳۹.

۳. بامداد، مهدی، *شرح حال رجال ایران*، ج ۲، ص ۱۲.

۴. *خاطرات کلنل کازاکوفسکی*، ترجمه عباسقلی جلی، ص ۵۳.

۵. دولت‌آبادی یحیی، *حیات یحیی*، ج ۱، ص ۱۴۷.

۶. حقانی و نجفی، موسی، *تاریخ تحولات سیاسی ایران*، ص ۲۸۹.

و مشروطه نیز محسوب می‌شدند؛ به‌خوبی از مشی سیاسی و خط فکری استاد بهره‌گیری کرده و با ورود به عرصه سیاست، دین خود را به مکتب و مذهب ادا کردند. علما و مرجعیت نفوذ و سلطه همه جانبه بیگانگان در امور ملت و مملکت و زیان‌های ناشی از آن و بی‌عدالتی‌هایی که از جانب هیئت حاکمه می‌شد را به مردم گوشزد می‌کردند. مردم هم که اطلاعات بسیاری از رابطه دول خارجی با ملت‌ها در مسیر توسعه و پیشرفت به دست آورده بودند،^۱ با تمام وجود، روشنگری‌های علما را لمس کرده و آنان را حافظ منافع دین و مملکت خود می‌دانستند؛ بنابراین زمینه قیام به رهبری علما کاملاً مساعد بود و احتیاج به شروع و اقدام داشت.

بالاخره با روشنگری‌هایی که صورت گرفت چشمه صبر و غیرت ملی مذهبی مردم، پس از سال‌ها تحمل رنج و حقارت در محرم سال ۲۳-۱۳۲۲ ه.ق (اسفند ۱۲۸۵) به جوش آمده و قیام مردم علیه دستگاه استبداد علناً کلید خورد.

علما و روحانیون اهل منبر در محرم آن سال عزاداری و ذکر مصیبت را همراه با ایراد خطابه در فجایع به بار آمده توسط شاه و درباریان برای مستمعین بازگو می‌کردند. لذا اگر واعظی سخنش را پایان می‌داد و از اتفاقات روز، مسائل مملکتی و مظالم هیئت حاکمه چیزی نمی‌گفت به او اعتراض می‌شد.^۲ همه مسائلی که جنبه حکومتی و ستیز با ظلم و ستم داشت، در قالب سیره عملی سیدالشهدا علیه‌السلام بر فراز منابر و مجالس عزا مطرح می‌شد و هیئت حاکمه در مقابل این سیاست تقریباً خنثی بودند، والا متهم به مقابله و معارضة با اعتقادات و مقدسات مذهب می‌شدند.^۳

در تهران سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبائی که سال‌های متمادی را در سامرا از دریای علم و سیاست میرزای شیرازی بهره‌جسته‌اند، پس از اتفاقات ناگواری که از جانب حکومت رخ داد،^۴ در جهت مبارزه با ظلم و فساد دستگاه حکومت با یکدیگر

۱. همان، ص ۲۹۱.

۲. مدنی، جلال‌الدین، *تاریخ تحولات سیاسی ایران و روابط خارجی*، ج ۱، ص ۹۳.

۳. همان.

۴. اتفاقاتی همچون چوب زدن مجتهد کرمانی، نوز بلژیکی و حوادث گمرک، عسکرگاریچی و وضع مسافری بین تهران-وقم، امتیاز تأسیس بانک استقراضی روسها، وقوع دیگر حوادث و اتفاقات عدیده و مهم در تهران و شهرستان‌ها، نظیر دستگیری شعاع السلطنه در فارس، اقدامات آصف الدوله در خراسان، ظل السلطان در اصفهان و اهانت حاکم قزوین به یکی از علما و بالاخره چوب زدن هفده تن از تجار و





تأثیرات نهضت تنباکو بر عملکرد سیاسی اجتماعی روحانیت

هم پیمان شدند که کسروی این پیمان را مهم و آغاز جنبش مشروطه نامیده است.^۱ سیدین با همکاری در زمینه تشکیل یک سری محافل و انجمن‌های سری با خواص و مطالبی که به عنوان خروجی آن‌ها در راستای تدوین قانون و تحدید اختیارات شاه منتشر می‌شد در روشنگری و تنویر افکار عمومی نقش بسزایی داشتند.^۲ آنها با حمایت‌هایی که از جانب دیگر علمای تهران و نجف شدند موفق به راه‌اندازی دو تحصن و مهاجرت بزرگ صغرا و کبرا علیه سیاست‌های حکومت شدند که با آن همه مشقات مسافرت در آن روزگار ایجاد چنین وحدتی نشان از همبستگی و همدلی بین مردم و رهبران دینی و قدرت سیاسی آنان داشت و در نتیجه منجر به پیروزی عدالت‌خانه شد. این جنبش ملی مذهبی که در واقع ملات و موادی بود در همان قالب از پیش‌ساخته نهضت تحریم تنباکو، موجب محدود شدن اختیارات شاه و فروپاشی دستگاه سلطنتی شد.

در ادامه پس از شکل‌گیری نسبی مشروطه مرحوم شیخ فضل‌الله نوری که یکی دیگر از دست‌پرورده‌های مرحوم میرزای بزرگ است با تیزبینی، بصیرت و شم سیاسی‌ای که از استاد به ارث برده وارد میدان می‌شود. وی که از رهبران و فعالان نهضت تحریم تنباکوست در بحبوحه کج روی‌های مشروطه، وقایع را رصد کرده و با پیشنهاد اصل متمم قانون اساسی و نظارت علما و مجتهدین بر لوایح و مصوبات مجلس تا حدودی از مصادره مشروطه به نفع غرب‌گرایان جلوگیری می‌کند. پس از آنکه فریادها و مکتوبات خود را در جهت تصحیح انحرافات مشروطه از مسیر مستقیم اسلام و ایجاد وحدت بین نیروهای مذهبی بی‌فایده می‌بیند مستقیماً با عناصر روشنفکر غرب‌گرا در افتاده و فتوا به تحریم مشروطه می‌دهد و در این مسیر جان خود را فدا می‌کند. جلال آل احمد می‌گوید:

«من نعش آن بزرگوار را بر سردار همچون پرچی می‌دانم که به علامت استیلای غرب‌زدگی پس از دو‌یست سال کشمکش بر بام سرای این مملکت

بازاریان به دلیل گرانی قند بدون توجه به علل آن، ایران را تاحد زیادی برای بروز اتفاقات جدی مستعد کرد و موجب شعله‌ور شدن شراره‌های نهضت گردید.

۱. کسروی، احمد، *تاریخ مشروطه ایران*، بخش یکم، ص ۴۸.

۲. ملک زاده، مهدی، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، کتاب دوم، ص ۲۳۷.



افراشته شد.^۱

نقش آقا نجفی اصفهانی یکی دیگر از شاگردان مبرز میرزا نیز در مشروطه انکارناپذیر است.^۲ وی از رهبران فعال جریان نهضت تنباکو در اصفهان بود. به درخواست متحصنین قم در مهاجرت کبرا در سال ۱۳۲۳ ق، به آن شهر مهاجرت نمود و بعد از امضای فرمان مشروطیت به اصفهان بازگشت و همراه برادرش در همان چند هفته اول پس از فتح اصفهان و اخراج حاکم آن^۳ برای اولین بار در ایران «انجمن ملی» را در راستای حمایت از اهداف مشروطیت برپا نمود. از مرحوم آقا نجفی، اعلامیه‌هایی در حمایت از مشروطه موجود است که نشان‌دهنده تأثیرپذیری تفکر و منش ایشان از مرحوم میرزا هست. ایشان با ادبیات استاد در حمایت از مجلس شورا چنین می‌نگارد:

«الیوم به ملاحظه حفظ نفوس و اموال و اعراض مسلمین و تقویت دین مبین، مخالفت با مجلس مقدس شورای ملی - شیدالله ارکانه - به‌مثابه مخالفت با امام زمان - علیه‌السلام - است.»^۴

مرحوم نائینی نیز که به خاطر هوش و توان تحلیل سیاسی بالا از مشاوران و محرران مبرز استاد خود میرزای شیرازی هست^۵ در بحرانی‌ترین برهه تاریخ مشروطه که عده‌ای از متجددان با تمسک به فرهنگ غرب، اسلام را در امور اجتماعی و اداره حکومت ناتوان می‌بینند و قصد منحرف کردن نهضت را در سر می‌پروراند، قلم‌به‌دست شده و به عنوان تئوریسین فقهی نهضت و حکومت اسلامی با نوشتن کتاب گران‌سنگ تنبیه الامه و تنزیه المله وارد میدان می‌شود. وی الفاظی را که در حیطة قانون‌گذاری و تشکیل حکومت و حکمرانی بر مردم استعمال می‌شد و عده‌ای از روشنفکران آن‌ها را در راستای

۱. آل احمد، جلال، *غرب زدگی*، ص ۷۸.

۲. صوفی نیارکی نجفی، تقی، *اصول اندیشه سیاسی آقاجنّی و نقش وی در جنبش مشروطیت*، فصلنامه مطالعات تاریخی، تابستان ۸۴، شماره ۸، صص ۱۶۹-۱۲۰.

۳. نجفی، موسی، *حکم نافذ آقاجنّی*، صفحه ۲۶۲ تا ۲۷۰.

۴. *روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان*، شماره ۲، سال ۲، ۲۲ ذی‌قعدة ۱۳۲۵.

۵. تهرانی، شیخ آقا بزرگ، *طبقات اعلام الشیعه*، ج ۲، ص ۵۹۳.



تأثیرات نهضت تنباکو بر عملکرد سیاسی اجتماعی روحانیت

اغراض شوم سیاسی خود معنی می‌کردند،^۱ با مبانی فقهی و اسلامی تشریح و تبیین می‌کند.

خلاصه اینکه شاگردان میرزای شیرازی با تأسی به سیره و خط فکری استاد در جریان نهضت تحریم تنباکو توانستند نهضت عدالتخانه را با هدف تضعیف و تحدید جایگاه پادشاهی و کاهش ظلم و ستم دربار پی‌ریزی کنند. ادوارد براون انگلیسی در زمینه نقش روحانیت در این جنبش‌ها می‌نویسد:

«نهضتی که به تدریج تبدیل به مشروطه خواهی شد، در آغاز اعتراضی مردمی به زعامت روحانیت علیه ولخرجی‌های درباری بود که جهت ارضای بوالهوسی‌های خود آماده بود کشور را تسلیم بیگانگان و کفار کند. بی‌حمایت روحانیت، مردم نه می‌توانستند امتیاز تنباکو را درهم بشکنند و نه می‌توانستند شاه را به اعطای مشروطیت وادارند.»^۲

حتی نویسندگانی امثال کسروی^۳ یا ملک‌زاده که شخصیتی کاملاً غرب‌گراست و تقابل و ضدیت عجیبی با روحانیت دارد به این مسئله اعتراف کرده و می‌گوید:

«چون این نهضت عمومی بنا بر احکام علمای روحانی در سرتاسر ایران بر پا شد و با کامیابی آن‌ها خاتمه یافت، اقتدار زیادی نصیب آنان گشته و شاه و درباریان که شکست‌خورده از این مبارزه بیرون آمدند، بیش‌ازپیش مرعوب نفوذ و قدرت روحانیت شدند و طبعاً نهضت مشروطیت هم که به دستگیری عده‌ای از علمای بزرگ و مراجع تقلید بر پا گشت با قدرتی که در نتیجه انقلاب انحصار دخانیات نصیب روحانیون شده بود و اقتداراتی که پس از آن واقع به دست آورده بودند، کمک شایانی در پیشرفت نهضت مشروطیت و برقراری حکومت ملی نمود.»^۴

۱. آدمیت، فریدون، *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*، ص ۴۴ و ۴۵.

۲. براون، ادوارد، *انقلاب مشروطیت در ایران*، ص ۱۵۰.

۳. کسروی، احمد، همان، ج ۲، ص ۱۹۷.

۴. آدمیت، فریدون، همان، کتاب اول، ص ۹۵.

محور سوم: نفی اساس سلطنت و استبداد در نهضت امام خمینی

یکی از پیامدها و تأثیرات نهضت تحریم تنباکو ریشه‌کن کردن تدریجی نظام سلطنتی و تبدیل آن به یک حکومت اسلامی بود. آرتور هاردینگ، سفیر بریتانیا در ایران این مسئله را متعرض شده و می‌گوید:

«روحانیون در پی تأسیس حکومت اسلامی هستند.»^۱

درواقع حادثه مهم و تاریخ‌ساز نهضت تحریم تنباکو که در رأس آن مرجعیت بزرگ شیعه و در بدنه آن مجتهدین و روحانیت اصیل، جریان سازی می‌کردند، الگو و نمادی شد برای حضور و نقش‌آفرینی هرچه بیشتر مذهب و عناصر سیاسی آن در مسائل حکومتی. بنا براین می‌توان اساس موضع‌گیری‌ها و سیر مبارزاتی علما، خصوصاً از بعد از فتوای میرزای بزرگ را در سه مرحله ترسیم کرد.

مرحله اول، ایجاد روحیه ظلم‌ستیزی و ایستادگی در مقابل استبداد شاه و هیئت حاکمه بود. این مهم در جریان نهضت تحریم و وقایع پس از آن کاملاً قابل مشاهده است.

مرحله دوم، محدود کردن اختیارات و قدرت مطلقه شاه و دستگاه حکومت بود که در فاصله زمانی حدود ۱۷ سال از نهضت تحریم تا مشروطه و پس از آن، علما با هدایت‌گری و تنویر فضای سیاسی جامعه، سد محکمی را در مقابل قدرت مطلقه شاه بنا کردند و علی‌رغم تمامی تلاش‌های داخلی و خارجی برای حفظ سلطنت، مردم را به ماندن در صحنه تا رسیدن به اهداف خود دعوت کردند تا به تعبیر مرحوم مدرس قدمی در خشکاندن هر چه بیشتر درخت سلطنت مطلقه برداشته و مانع از جوانه زدن دوباره آن بشوند.^۲

و مرحله سوم، ساقط کردن بساط شاهنشاهی و نفی اساس سلطنت بود. روحانیت با تحدید قدرت نظام سلطنتی و پررنگ کردن حضور مردم در صحنه تصمیم‌گیری‌های کلان حکومتی، بر مواضع شاه و درباریان نظارت می‌کردند و هیئت حاکمه دیگر قادر به هرگونه تصمیم‌گیری و جعل قانون برای مردم نبود؛ چراکه اگر با علما و رهبران مذهبی شور و صلاح نمی‌کردند و لایحه‌ای را خلاف قوانین اسلام یا عزت و استقلال ملت و

۱. راین، اسماعیل، *انجمنهای سری در انقلاب مشروطیت ایران*، ص ۵۵.

۲. همان.



تأثیرات نهضت تنباکو بر عملکرد سیاسی اجتماعی روحانیت

مملکت به تصویب می‌رساندند، باید منتظر صدور فتوا یا حکمی از جانب مجتهدین می‌شدند که به تبع آن منجر به هرج و مرج، اعتراضات و درگیری‌های خیابانی مردم با دولت می‌شد. نمونه آن را می‌توان در مهم‌ترین جنبش‌های پس از مشروطه مانند جریان نهضت ملی شدن نفت، لایحه انجمن‌های ایالتی ولایتی، کاپیتولاسیون، قیام پانزده خرداد و درنهایت پیروزی انقلاب اسلامی مشاهده کرد. این سیره رفتاری رهبران مذهبی با مردم و حکومت با تمام فراز و نشیب‌هایی که داشت توسط علمای بصیر حفظ و ادامه پیدا کرد و درنهایت با مبارزه علیه اساس استبداد و نظام شاهی و ایجاد خط فکری جدید در اداره حکومت توسط امام خمینی، طی ده‌ها سال جان‌فشانی‌ها و مبارزه علیه ظلم و استبداد با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن سال ۵۷ اساساً نظام سلطنتی نفی و ریشه‌کن شده و حکومت اسلامی جایگزین آن شد.

امام خمینی که خود به اذعان دوست و دشمن سیاست مداری بصیر و تیز بین است در سخنرانی‌های مختلفی با استناد به تاریخ معاصر از نقش امامت علما و روحانیون در جنبش‌ها علیه سلاطین می‌گوید:

«این صدسال اخیر را وقتی ما ملاحظه کنیم هر جنبشی که واقع شده است از طرف روحانیون بوده است بر ضد سلاطین، جنبش تنباکو بر ضد سلطان وقت آن بوده است، جنبش مشروطه بر ضد رژیم بود.»^۱

ایشان در کوران حوادث انقلاب با تجربه‌ای که از نهضت تنباکو و مشروطه اندوخته است در پاسخ به نامه آیت‌الله مرعشی می‌نویسند:

«ما همه موظف هستیم که از پا ننشینیم تا سقوط سلسله بی‌حیثیت پهلوی.»^۲

استدلال امام این است که:

«اصل سلطنت هم از اول یک چیز سهل بود. از اول معنا نداشته است... سلطنت مساوی با استبداد و قلدری و دیکتاتوری است.»^۳

۱. امام خمینی، همان، ج ۸، ص ۱۷۹.

۲. نجفی، موسی و جعفریان، رسول، همان، ص ۶۰۱.

۳. امام خمینی، کوثر، جلد اول، ص ۵۰۶.

تأثیرات نهضت تنباکو در جهت مبارزه با استعمار

از آغاز سده دهم هجری - شانزدهم میلادی - به تدریج استعمارگران اروپایی به سرزمین‌های اسلامی وارد شدند و به تحکیم مواضع و بسط نفوذ تجاری، سیاسی و نظامی خود پرداختند.^۱ در همین راستا صدها نفر از علماء و مراجع بزرگ شیعه، به‌طور فردی یا جمعی در مقابل اشکال گوناگون استعمار به مبارزه فکری و عملی پرداخته‌اند که یکی از آنها قیام تنباکوست و تأثیرات فراوانی بر اتخاذ مواضع سیاسی اجتماعی روحانیت در جهت مبارزه با استعمار بجای گذارده که این بخش نیز در سه محور مطرح می‌شود.

محور اول: نهضت تحریم کالاهای خارجی

یکی از تأثیرات مستقیم و بلا واسطه جنبش ضد استعماری تنباکو، تداوم اندیشه تحریم و شکل‌گیری نهضت بزرگ تحریم کالاهای خارجی است. این حرکت دو بعد سلبی و اثباتی داشت. بعد سلبی آن مبارزه منفی و تحریم اجناس خارجی و نفی سلطه اقتصادی اجانب بود و بعد اثباتی آن تلاش برای سازندگی و خودکفایی ملی و بی‌نیازی از بیگانگان است.^۲ این اندیشه و تفکر در قالب‌های مختلفی در ایران به نمایش گذاشته شد.

در واقع نتیجه کاربرد سلاح تحریم آن‌چنان به ثمر نشست که هر جا علمای دینی بنای مبارزه با سلطه نظامی، سیاسی و حتی فرهنگی استعمار را داشتند، با حربه تحریم اقتصادی به عنوان اولین گام مبارزه، تضعیف و نابودی خصم را تسریع می‌کردند.^۳ میرزا در اولین تلگراف خود در این مورد، خطاب به ناصرالدین‌شاه می‌نویسد:

«عرضه می‌دارد که اجازه مداخله اتباع خارجه در امور داخله مملکت و مخالطه و تردد آن‌ها با مسلمین و اجرای عمل بانک و تنباکو و راه آهن و

۱. رجبی، محمد حسن، *علمای مجاهد*، ص ۹.

۲. البته لازم به ذکر است که تحریم همواره به معنای فقهی آن یعنی «حرام دانستن» نبود، بلکه گاهی به معنای پرهیز از استفاده است. لذا در مواردی از بیانات مختلف علما به این نکته اشاره شده که ما استفاده از کالاهای خارجی را حرام نمی‌دانیم ولی از آن پرهیز می‌کنیم و به تولیدات و کالاهای داخلی روی می‌آوریم.

۳. همان.



غیرها، از جهاتی چند منافی صریح قرآن مجید و نوامیس الهیه و موهن استقلال دولت ومخل نظام مملکت و موجب پریشانی عموم رعیت است.^۱ بعد از فوت میرزای شیرازی نیز اصحاب و شاگردان برجسته وی، شیوه استاد را ادامه می‌دهند. این در حالی است که حوزه‌های علمی شیعی نیز در قبال استقلال ایران و حفظ ارزش‌های سیاسی اسلام، به‌طور عملی‌تر و محسوس‌تر خود را مسئول و مکلف می‌بینند. در ادامه به برخی از اسناد، بیانه‌ها و فتاوی‌ای که در باب تحریم کالاهای بیگانه صادر شده است اشاره می‌شود که نشان از درایت، زمان شناسی و بصیرت سیاسی علمای این دوره دارد.

اسناد تحریم کالاهای خارجی

یکی از اسناد تاریخی که در این زمینه موجود است، سندی است که از سوی علامتین ملا محمدکاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی دو تن از مراجع بزرگ نجف در عصر مشروطیت و مربوط به سال ۱۳۲۹ قمری علیه دخالت روس‌ها در ایران صادر شده است. این سند که از جریده نجف نقل شده و در جواب سؤال علمای استرآباد هست، تمامی مردم خصوصاً علما، امرا و تجار را خطاب قرار داده‌اند و با ذکر اینکه در انتظار فراهم آمدن زمینه صدور فتوا به حرمت کالاهای روسی هستیم آن‌ها را نسبت به خریدوفروش و هرگونه معامله با بیگانگان منع می‌کنند.^۲ ایشان با استفاده از الفاظی نظیر غیرتمندان اسلام و پیروان حضرت خاتم‌النبین یک‌شور عمومی و شعور همگانی را در میان مردم ایجاد کرده و هرگونه استفاده از کالاهای خارجی را مساوی با ذهاب ثروت مملکت، نسخ منابع داخله، فقر و فلاکت ملت، زوال اسلامیت و استقلال مملکت، تسلط کفار بر مسلمین می‌دانند و در آخر تمامی مردم خصوصاً تجار را به مسابقت و مسارعت در این امر خیر دعوت می‌کنند. جملات و شعائر مقدس شیعه در متن اعلامیه با دقت تعبیه شده است و هشدارهای سیاسی این‌گونه مطرح می‌شود:

«...بقاء سالدات روس به بهانه حفظ تجارت روسیه در ایران تدریجاً به کنیسه شدن مساجد و تبدیل اذان به ناقوس و پامال شدن روضه منوره حضرت ثامن‌الائمه صلوات الله علیهم خدای‌نخواستنه مؤدی خواهد بود..ان

۱. کربلایی، حسن، تاریخ دخانیه، ص ۸۰..

۲. نجفی، موسی، اندیشه تحریم و خود باوری، ص ۸۳.

شالله تعالی ... از این امتعه خبیثه وفصول عیش که موجب ذهاب دین
مبین واستیلاء کفر برممالک اسلامیه است با عزمی راسخ و جزمی ثابت به
کلی اغماض و در فوز به فیض این جهاد اقتصادی که به منزله جهاد و
شهادت در رکاب امام زمان ارواحنا فداه است، مسارعت و برهمدیگر
مسابقت خواهند فرمود. ان شالله تعالی. ثبتکم الله تعالی جمیعا بالقول
الثابت و فی الحیوه الدنیا و فی الاخره. الاحقر محمد کاظم الخراسانی،
الاحقر عبدالله مازندرانی.^۱

از کلمات به کاررفته در این اعلامیه لفظ جهاد اقتصادی است که آن را به منزله جهاد
و شهادت در رکاب امام زمان ارواحنا فداه می‌داند. این مدل از جملات خاص که در
بیانیه علما به چشم می‌خورد و نهضت‌های مردمی را با امامت معصومین: پیوند می‌زند
مهم‌ترین دلیل بر جهت‌گیری از همان طرز تفکر میرزای شیرازی و نهضت تحریم
تنباکوست چرا که حکم نافذ میرزا نیز با همین ادبیات صادر شد و مردم را به صحنه
کشاند.

در سندی دیگر که مربوط به تعهدنامه علمای اصفهان است حربه تحریم اقتصادی را
توسعه داده و به بانک استقراضی روس کشانده تا به سیاست روسیه در ایران ضربه وارد
آورند. آن‌ها در اعلامیه خود به خاطر حفظ مصالح اسلام و مسلمین چنین می‌نویسند:
«به هیچ وجه من الوجوه از کالاهای خارجی مصرف نمی‌کنیم و طرف معامله با
بانک روسی نمی‌شویم و عجالاً قند و چاهی روسی را به کلی تارک هستیم و
شخصاً استعمال نخواهیم کرد. صلاح عموم مسلمانان راهمینطور میدانیم و با
هرکس مخالفت نماید معاشرت نمی‌نماییم.»^۲

صدور این‌گونه اعلامیه‌ها جنبش مردم نسبت به مصرف نکردن کالاهای بیگانه را
چندین برابر گردانید. کسروی از تأثیرگذاری این بیانیه‌ها در تقویت روحیه مردم برای
عدم استفاده از کالاهای اجنبی می‌گوید:

«در همه جا علما به کار برخاسته مردم را به ترک کالای روس وا داشتند.
ایرانیان از سال‌ها عادت به چایی خوردن دارند، ولی چون قند از آن روس
بودی چای نیز از خاک روس به ایران آمدی در این هنگام آن را رها

۱. همان.

۲. همان، ص ۸۴.



کردند و به جای چراغ نفتی شمع روشن کردند. از هرچه کالای روس بود پرهیز نمودند. در فارس این رفتار را با کالاهای انگلیسی کردند و اسکناس‌های بانک شاهنشاهی را در بازار نپذیرفتند و این بود مردم به بانک ریخته عوض کردن اسکناس‌ها را خواستند و کار را بر بانک سخت ساختند.^۱

یکی دیگر از اسناد موجود در این زمینه مربوط به اطلاعیه ایست که از جانب علمای فارس به اصفهان مخابره شده و در مقابله با دولتین روس و انگلیس در نقض تمامیت ارضی ایران، ورود قشون روسی به شمال و ورود سواران نیروی هند مرکزی وانگلستان به جنوب ایران است. مفاد این سند شامل تحریم مواردی چند می‌شود.

تحریم امتعه دولتی، قطع روابط ملی، تحریم اعانت به قشون مسلح دولتین، تحریم داد و ستد و استخدام و مزدوری نسبت به قشون دولتی، تحریم سفارش دادن کالاهای دولتین، تحریم حمل کالا از بنادر به داخل خاک ایران

این سند مهم تاریخی که دربردارنده نهادهای بسیار مهم سیاسی مذهبی همچون «حفظ استقلال اسلامیت و قومیت» است، نشانگر خط فکری علما در اخذ سیاست تحریمیه علیه دشمن است که در بیانیه‌ها به‌انحاء مختلف به آن اشاره می‌شود. در واقع علمای بزرگ فارس در حمایت و پشتیبانی از علم تجار و اعیان فارس که به‌صورت خودجوش برای حفظ «استقلال اسلامیت و ملیت و دفاع مهاجمات خانمان سوز دولتین متجاوزین» اجتماع کرده بودند و تحریم کالاهای خارجی و قطع روابط ملی را یگانه علاج رکود اقتصادی می‌دیدند، این اعلامیه را صادر کردند تا قوت قلبی برای ادامه مسیر آن‌ها باشد. علما در این حکم دست‌اندرکاران واردات و صادرات را این‌چنین خطاب می‌کنند:

«...امیدواریم آن آقایان نیز اضمحلال دیانت و هویت ایرانیان را در نظر گرفته، هرچه زودتر به تحریم امتعه دولتین اقدام فرمایند و از اولیای امور مرکزی نیز درخواست شود که کمال مراقبت را در فیصله امر با دولتین بنماید که ذره‌ای از لوازم حفظ استقلال داخلی و خارجی ایران فروگذاری نشود که مسلمانان ایران اعراض و نوامیس خود را اسیر کفر نخواهند و دیانت مقدسه خود را باجان عزیز فداکاری کنند و فریاد یا مرگ یا استقلال در فضای عالم

۱. کسروی، احمد، تاریخ هجده ساله آذربایجان، ص ۲۲۴.

بر آورند.^۱

یکی دیگر از زیباترین اسناد تاریخی در مبارزات اقتصادی و تحریم تجارت و تولیدات خارجی در ایران اعلامیه‌ای است که سیزده نفر از علمای اصفهان در سال دوم مشروطیت صادر کرده‌اند. این تحریمیه به خاطر آنکه در زمان ریاست رسمی حاج آقا نورالله در مشروطیت اصفهان صادر شده بازتاب گسترده و وسیعی داشته است. در این سند علاوه بر تحریم استفاده از پارچه‌های خارجی در کفن اموات، البسه و منسوجات مورد استفاده، همچنین مهر نکردن قباله جات و قراردادهایی که روی کاغذهای مارک‌دار خارجی نوشته شده که خود عمق مبارزه را در تمام سطوح را می‌رساند، این اعلامیه را در ردیف خواندنی‌ترین اسناد استقلال اقتصادی و هویت سیاسی ایران قرار می‌دهد. البته میزان طاقت مردم نیز در نظر گرفته شده است. لذا در مورد البسه خارجی و موارد دیگر، واژه مهما ممکن آمده است. ماده چهارم در ساده زیستی و منع اسراف و تجمل‌گرایی قابل توجه بوده که چنین نوشته‌اند:

«رایعاً: مهمانی‌های ولو اعیانی باشد چه خاصه و چه عامه باید مختصر باشد. یک پلو یک چلو و خورش و یک افشره. اگر زائد بر این تکلف نماید احدی، ما را به محضر خود وعده نگیرد، خودمان نیز به همین روش میهمانی می‌نماییم هر چه کمتر و مختصرتر از این تکلیف کردند موجب مزید امتنان ماها خواهد بود.»^۲

و ماده پنجم آن با استناد به چند آیه و روایت در مورد مضار تریاک در نابودی نسل‌ها و استعدادها و اسراف در مال و جان و از بین رفتن اخلاق و دین سخن به میان آورده‌اند که دلالت بر بینش سیاسی و جامع نویسندگان آن دارد که به این بند اشاره می‌کنیم:

«خامسا: وافوری اهل وافور را احترام نمی‌کنیم و به منزل او نمی‌رویم. زیرا که آیات باهره «ان المبذرين كانوا من اخوان الشياطين»^۳ و «ولا تسرفوا ان الله لا يحب المرففين»^۴ و «و لا تلقوا بايديكم الي

۱. نجفی، موسی، همان، ص ۶۵-۶۶.

۲. همان، ص ۹۴.

۳. اسراء، آیه، ۲۷.

۴. اعراف، آیه ۳۱.





التهلکة^۱ و حدیث «لا ضرر ولا ضرار»^۲، ضرر مالی و جانی و عمری و نسلی و دینی و عرضی و شغلی آن محسوس و مسری است و خانواده‌ها و ممالک را به باد داده و بعد از این هر که را فهمیدیم و افوری است به نظر توهین و خفت می‌نگریم.^۳

در بخش جنوبی کشور مرحوم سید عبدالحسین لاری از شاگردان میرز میرزای شیراز که به دستور ایشان به لار رفته است به عنوان رهبر سیاسی مذهبی خطه جنوب، قدرتمندانه وارد صحنه مبارزه با استعمار گران انگلیسی شده و در جواب استفتائی که مردم و شاگردان وی در موضوع استعمال مطعومات و مشروبات و ملبوسات و مصنوعات مجلوبه از بلاد کفره که جمیع یا اغلب اهالی آن‌ها کفار و منتشر در بلاد اسلامیة شده، صریحاً فتوا به تحریم اجناس خارجی داده است. ایشان با استدلال به صریح آیه کریمه و اجماع و قواعد فقهی در جواب استفتاء می‌فرمایند:

«...امروز آنچه پول از بلاد اسلامیة به بلاد خارجی می‌رود اعانت به اعداء دین و استعداد کفار است برای ریختن خون اسلام و مسلمین، پس حرام است استعمال آن‌ها... مگر در صورتی که اضطراب و عدم وجود اشیاء وطنی...»^۴

فناوا و اعلامیه‌های نیز از سایر بزرگان مانند مرحوم آخوند خراسانی، آقا نجفی اصفهانی، شیخ شریعه اصفهانی، سید اسماعیل صدر و سید محمدکاظم یزدی و دیگر علما صادر شده است که نشریه حبل‌المتین با انتشار این استفتاءات و بیانیه‌ها به پیشبرد هر چه بیشتر جنبش تحریم کمک مؤثری کرد.

این اسناد، اعلامیه‌ها و رسائل تحریمیه علمای شیعه و اصول سیاسی که در متن آن‌ها درج شده، نشان می‌دهد که امواج تحریم از جانب رهبران دینی، در دهه‌های تاریک عصر بی‌خبری تا چه اندازه موجب روشنگری و تنویر افکار عمومی گشته است.

۱. بقره، آیه ۹۵.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۲۹۳.

۳. نجفی موسی، همان، ص ۹۳.

۴. لاری، سید عبدالحسین، **هدایت الطالبین**. به نقل از کتاب ولایت فقیه زیر بنای فکری مشروطه مشروعه. سید محمد تقی آیت‌اللهی، ص ۱۷۳، ۱۷۴.

محور دوم: حمایت از کالاهای داخلی و تولید ملی

یکی دیگر از مهم‌ترین تأثیرات نهضت تحریم تنباکو، ایجاد اعتماد به نفس بیش‌ازپیش و روحیه خودباوری در شاگردان میرزای شیرازی به‌عنوان ادامه‌دهندگان اصلی خط فکری ایشان و انتقال این اندیشه به عرصه جامعه ایران بود. از این جهت بود که پس از تعمیم حوزه نفی مبنی بر استفاده نکردن از کالاهای دولت‌های روس و انگلیس و صدور فتاوی تحریمیه، گام‌های بلندی را در مسیر استفاده از کالاهای دول بی‌طرف، استعمال اجناس وطنی و جایگزینی تدریجی اجناس مشابه ایرانی برداشتند که نتیجه آن تکمیل جنبه اثباتی نهضت و رفع نیازهای مردم درزمینه خودکفا شدن جامعه در تولیدات کالای وطنی بود.

۴۴

تاسیس شرکت اسلامیة اصفهان

عینیت وسیع و تجسم این گام‌های بلند را می‌توان در ماجرای تأسیس شرکت اسلامیة اصفهان سراغ گرفت که سرشار از حمایت‌های دوگانه علما از مردم و مردم از علما بود. تشکیل این شرکت به ابتکار و استقامت دو تن از مجتهدین اصفهانی، مرحوم آقا نجفی و برادر بزرگوارش مرحوم حاج آقانور الله بود که به سرعت با استقبال گسترده علما، تجار صاحب‌نام و دیگر اقشار جامعه در خرید سهام و همچنین محصولات خود مواجه می‌شود و به تدریج شعبه‌هایی در بسیاری شهرها و همین‌طور در خارج از ایران احداث می‌کند. محل اصلی شرکت در اصفهان بود ولی شعبه‌هایی در شهرهای تهران، شیراز، بوشهر، مشهد، تبریز و حتی نمایندگی‌هایی را در خارج از کشور (لندن، کلکته، بمبئی، قاهره، استانبول، بغداد، مسکو و بادکوبه) تأسیس نمود.^۱ این شرکت ملی هسته اولیه کارخانه‌ها بزرگ به سبک نوین در اصفهان و سایر شهرها شد و تا حدود زیادی احتیاجات ایران را به کشورهای خارجی محدود کرد؛ تا آنجا که رسانه‌های داخلی و خارجی به بازتاب فعالیت‌های آن پرداختند. روزنامه‌های «حبل‌المتین»، «ثریا» و «حکمت» مدام فعالیت‌های این شرکت را رصد می‌کردند. روزنامه‌ی «الهیال» چاپ مصر گزارشی از فعالیت شرکت اسلامیة چاپ نمود و از حاج‌آقا نورالله تجلیل نمود.^۲

۱. نجفی، موسی، *اندیشه تحریم و خود باوری*، ص ۱۳۲.

۲. روزنامه‌ی الهیال (۱۳۱۷)، شماره‌ی دهم، دهم جمادی الآخر، چاپ مصر.



فصول مختلف اساس نامه این شرکت و اهداف تعیین شده از جانب مؤسسان، حاکی از بصیرت سیاسی آنان و توجه دقیق ایشان به معضلات و مشکلات اقتصادی جامعه زمان خود است. به جهت طولانی بودن متن اساس نامه به صورت خلاصه به اجمالی از آن اشاره می‌کنیم:

«... حال تصور کنیم شرکت به چه کار خواهد رسید؟ بلی همان است که آب‌رفته را به جوی آورد و رشته گسیخته تجارت داخله ما را محکم خواهد نمود. ملک و وطن ما را آباد و صنایع منقرض شده ما را حیات می‌دهد. ما را از ذلت احتیاج به امتعه خارجی می‌رهاند. قماش‌های قلب فاسد شده خارجه که در عوضش روح و ثروت مملکت ما می‌رود موقوف دارد...»^۱

ایشان با استناد به روایت «**یدالله مع الجماعة**»^۲ دسترسی به سود بیشتر اقتصادی از طریقه راه‌اندازی کمپانی و شرکت در نسبت باکار تجارت فردی را مطرح می‌کند و خروج از ذلت احتیاج به امتعه خارجی و تثبیت و تقویت هرچه بیشتر تجارت داخله در برابر تجارت خارجه، تربیت اطفال و کادر سازی در مسیر رونق و خودکفایی اقتصادی و جلوگیری از مهاجرت نسل‌های آینده به خارج از کشور برای مزدوری و کارگری نزد بیگانگان را از دیگر علل این حرکت اقتصادی می‌داند.

«... از قحط‌سالی و تعدی محترکین بی‌انصاف نجاتمان می‌دهد. اطفال ما را تربیت می‌کند. در سال که هزارها از نفوس و برادران دینی ما ره مخرجه مسافرت کرده در کمال ذلت به مزدوری غیر مذهب ما، جان شیرین می‌سپارند، به کار و شغل داخله مملکت باز خواهد داشت. هرگاه از هزاران یک منافع و مفایدهش را بخواهیم برشماریم این صفحه را گنجایش نخواهد داشت.»^۳

تأکید بر کار جمعی به جای فردی رفع احتیاج از بیگانگان، جلوگیری از خروج ثروت ملی، تقویت نیروی کار و اقتصاد ملی و به‌طور کلی حل مشکلات اقتصادی مردم، از اهداف اصلی شرکت بوده‌اند که دلیل بر تیزبینی و آینده‌نگری عالمان دینی هست. به دنبال تبیین اهداف بلند احداث شرکت و انتشار اساسنامه آن، پا گرفتن تشکیلات اولیه

۱. نجفی، موسی، همان، ص ۱۲۹.

۲. کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۶، حدیث شماره ۱۰۲۸.

۳. نجفی، موسی، همان، ص ۱۳۰.

شرکت و دائرشدن شعبات در شهرهای مختلف، مورد حمایت و استقبال جدی علما و رهبران دینی در مناطق مختلف قرار گرفت.

دفاع تمام قد علما از شرکت اسلامیة

عالمان بزرگی چون: ملا محمدکاظم خراسانی، سید محمدکاظم یزدی، میرزا حسین نحل میرزا خلیل، محمد الغروی الشربیانی، ملا محمدحسن مامقانی، میرزا فتح‌الله شیرازی اصفهانی معروف به شریعتمدار، میرزا محمدحسین نوری معروف به محدث نوری، صدر اصفهانی و... به طرق مختلف، مثل فتوا، اعلامیه، سخنرانی و تألیف کتب و رسائل سیاسی اقتصادی مانند هدایة الطالبین مرحوم لاری، مکالمات مقیم و مسافر مرحوم آقا نجفی، رساله ارشاد العباد الی عمارة البلاد مرحوم محلاتی و غیره به حمایت و پشتیبانی از این شرکت به پا خواستند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

مرحوم آیت‌الله محمدکاظم یزدی از مراجع تقلید مشروطه در اعلامیه‌ای مردم را به عضویت در شرکت اسلامیة و تقویت آن دعوت می‌کند:

«...حسن این نظم از بیان مستغنی است شایسته و مناسب و به‌موقع محل است که عموم مؤمنین و کافه متدینین از هر صنف و هر نوع هر یک به‌قدر مقدور و به وجه میسور در تشیید اساس و ترویج این امر مهم اهتمام تمام و بذل جهد و صرف همت نمایند.»^۱

ایشان در ادامه با استدلال به آیه شریفه «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم»^۲ و همچنین روایت شریفه امام صادق علیه‌السلام^۳ مبنی بر شبیه نشدن مؤمنین به کفار در تمامی حرکات و سکنات مردم را از استعمال کالاهای خارجی بر حذر داشته و به سمت استفاده از تولیدات داخلی سوق داده است. ایشان معتقدند: «مردم را تا آنجایی مهما امکن از البسه و اقمشه خارجه متحرز باشند بلکه سزاوار این است که در سایر جهات حرکات و سکنات و کیفیات لباس و طعام

۱. نجفی، موسی، همان، ص ۹۳.

۲. رعد، آیه ۱۱.

۳. «قال الصادق صلوات الله علیه اوحی الله تعالی الی نبی من انبیائه قل للمؤمنین لا تلبسوا لباس اعدائی ولا تطعموا مطاعم اعدائی و لا تسکنوا مسالک اعدائی فتکونوا اعدائی کما هم اعدائی.» عیون اخبار الرضا،

ج ۲، ص ۲۳





و شراب و گفتار و کردار از وضع و طرز کفار، خود را بر حذر و برکنار دارند.^۱ آیت‌الله حاجی میرزا محمدحسین نوری تأسیس شرکت اسلامیة را رواج آئین دین و رونق کیش مسلمین می‌داند که اهمیت بالای این حرکت اقتصادی علیه کفار و بیگانگان هست و همکاری و بذل جهد در مسیر حمایت از کالاهای داخلی و ترویج و نشر آن را موجب مسرت و خوشحالی حضرت ولی عصر علیه السلام می‌دانند.

«بسم الله الرحمن الرحيم. به چه لسان شکر کنیم حضرت ایزد منان را که در عصر خود دیدیم جمعی ... صدد رواج آئین دین و رونق کیش مسلمین برآمده... امیدواریم خداوند جلت آلاه قلوب متمکنین از اعانت و نشر و ترویج این امر مهم دین و دنیوی را مایل و راغب نموده که تمام مقذور خود را در انجام و اتمام آن مبذول دارند و ولی عصر صلوات‌الله علیه را از خود خرسند و مسرور نمایند و خویش را در زمره خدمه و کارکنان حضرت مقدسش درآوردند.»^۲

آیت‌الله صدر اصفهانی تأسیس شرکت اسلامیة را یکی از نعمت‌های الهی و از عنایات خاصه امام عصر عجل الله تعالی فرجه می‌داند که همه مسلمین باید شکر آن را به جا بیاورند و می‌فرمایند:

«فواید کلیه و نتایج خیریه که از استقرار و استدامه آن عاید دولت و ملت و دنیا و دین خواهد گردید ملتفت شوند و به دقت ملاحظه نمایند... انشاء الله تعالی پروردگار عالم جل ذکره ساعیان خیر را کامروا فرماید.»^۳

مرحوم آیت‌الله مامقانی نیز در واکنش به تأسیس این شرکت و تولید لباس‌های داخلی و اسلامی از این که این کار موجب استقلال از بیگانه و عدم احتیاج به اقتصاد آن‌ها می‌شود، ابراز خرسندی می‌کنند:

«بحمدالله تعالی فراهم شدن اسباب تداول منسوجات اسلامیة و سد ابواب حوائج مسلمین از ممالک از نِعْم عظیمه این عصر بابرکت است. چه قدر شایسته است که عموم مسلمین باکمال شوق و اتحاد کلمه در رواج آن هجر

۱. نجفی، موسی، همان، ص ۹۳.

۲. همان، ص ۹۶.

۳. همان، ص ۹۷.

منسوجات ممالک خارجه که سبب اختلال امور کافه مسلمین شده جدوجهد نموده اسلام را رونقی تازه داده و با اتفاق کلمه اسلامیه مسلمین را آسوده نمایند.^۱

بر همین اساس، روزنامه ثریا به آگاهی و توجه عالمان دینی به مسائل سیاسی - اجتماعی و اقتصادی اشاره کرده و آقانجفی اصفهانی را آغازکننده ترقی و پیشرفت در ایران دانسته:

«رؤسای روحانی ملت و امرا دولت ایران، معنی وطن و ترقی آن را شناخته و درصدد ارتقاء بدان مدارج عالییه برآمده‌اند. اگر نام مبارک حجه الاسلام آقا نجفی - مدّ ظلّه العالی - را سرآغاز تاریخ ترقی ایران قرار دهیم، شایسته و سزااست...»^۲

این اسناد تاریخی که فقط گوشه‌ای بود از وحدت و یکپارچگی علمایی که در صف اول و خط مقدم جهاد اقتصادی نقش مهم حمایت از تولید داخلی و حفاظت از سرمایه‌های ملی را ایفا می‌کردند، نشانگر تأثیرات مستقیم نهضت تحریم و مدل مبارزاتی آن بر جنبش‌های است که علما و رهبران دینی آن را هدایت می‌کردند. البته فکر تحریم و خودکفایی، تفکری نبود که صرفاً در چند اعلامیه و کاغذ مکتوم مانده و در راستای تفکری بدون عمل باقی بماند، بلکه این اندیشه به خاطر هویت دینی و گره خوردن با استقلال ملی کشور، از سوی اقشارمردم مورد عنایت و استقبال قرار می‌گیرد. چنانچه در گزارشات مطبوعات ۱۳۱۶ قمری/۱۲۷۷ شمسی، چنین آمده:

«خبرنگار مخصوص ما (روزنامه ثریا): جوششی در میان کلیه اهالی اصفهان برای حفظ وطن و رفع احتیاجات آن مشاهده می‌شود و این جوشش نه تنها از یک طبقه است، بلکه از هر صنفی خاصه علمای اعلام کثرالله امثالهم و ایدهم الله برای خدمت به وطن هرروز به ظهور می‌رسد و علانیه بر رؤس منابر و مجالس عموم مردم را به انواع زبان‌های شیرین و نرم موافق نص کتاب کریم و حکم شرع قوییم به آموختن علوم و صنایع تشویق و تحریص می‌فرمایند...»^۳

۱. روزنامه ثریا، سال دوم، ش ۱۳، سنه ۱۳۱۷ ق

۲. روزنامه ثریا، ۱۳۱۷ ق، ش ۴۷.

۳. همان، ص ۱۰۷.



محور سوم: مقابله با تهدیدات نظامی استعماری

از بارزترین تأثیرات نهضت تنباکو بر عملکرد سیاسی اجتماعی روحانیت در بخش استعمار ستیزی مقابله نظامی با استعمارگران است. علما و روحانیت با کلید زدن جنبش تنباکو و رهبری آن تا پیروزی کامل نهضت، این جرأت را در مردم به وجود آوردند که برای حفظ عزت و استقلال ملی همان طور که در جبهه اقتصادی دشمن را مفتضحانه شکست دادند، در جبهه نظامی نیز اگر لازم شد با الگو گیری و تبعیت از رهبران دینی نیز حاضر به جانفشانی هستند.

صدور احکام جهاد از طرف علما

علمای دین همواره در طول تاریخ شیعه در حفظ کیان ملی و مرزهای مملکت اسلامی اهتمام ویژه‌ای داشته اند و مردم را با صدور فتاوا به جهاد دعوت کرده اند. یکی از احکام جهادیه مربوط به جریان اولتیماتوم روس و حمله استعمار گران به مناطق مرزی شمال و جنوب کشور است. پس از تلاش‌های فراوان علمای نجف و ایران و نامه‌نگاری‌های پی‌درپی به سران ممالک اسلامی و جهان برای دفع فتنه اجانب و ادامه پیدا کردن تجاوزات دولتین روس و انگلیس، علما و رأس آنها مرحوم آخوند خراسانی پس از صدور فتوای جهاد، خویشان را برای عزیمت به ایران جهت شرکت در جهاد و شورانیدن مردم به جنگ علیه روس و انگلیس آماده می‌کنند^۱ و در فتوایی چنین می‌فرمایند:

«...حکم جهاد و دفاع به عموم مسلمین ایران و غیره داده شد. امروز به حکم عقل و شرع عفو عمومی و جلب قلوب لازم البته مبادرت در اعلان آن فرموده،

داعیان هم در خارج عازم حرکت هستیم بعون الله تعالی.»^۲

ایشان در تلگرافی خطاب به کافه مسلمین، آنان را از اختلافات داخلی و قومی قبیله‌ای که موجب کامیابی دشمنان در محو اسلام و نبوت شده بر حذر می‌دارد و اندکی تسامح را موجب ذهاب اسلام می‌داند. این مرجع والامقام در ادامه فتوای جهادی خود چنین آورده است:

۱. کسروی، احمد، تاریخ هیجده ساله آذربایجان ص ۲۲۴.

۲. همان ص ۵۸۴.

«بر قاطبه مسلمین و صاحبان فطرت اسلامیت و عرق دیانت، خصوصاً عشایر ایالات باحمیت، واجب عینی است که در مقام دفاع از بیضه اسلام و رفع حملات ظالمانه صلیبیان که بالضروره الدینی، از اهم فرائض دینی است، اتفاق و اتحاد حقیقی نموده، از تمام اغراض شخصی که منشأ این همه خرابی است، اغماض نمایند و دعوت اسلام را اجابت و استغاثه شریعت محمدیه صلی الله علیه و آله را لیبیک گویند. ان شاء الله تعالی و ثبت الله الجمیع بالقول الثابت، وجعلکم من انصار دینه، والسلام علیک و رحمۃ الله وبرکاته.»^۱

و اما در جنوب کشور هم مردم غیور با اعلان جهاد از سوی آیت الله سید عبدالحسین لاری و پیشقراولی آیت الله بلادی، شیخ محمدحسین برازجانی و سید علی نقی دشتی در تمامی نقاط جنوب، امنیت انگلیسها را به هم زدند. ایل قشقایی که همواره با انگلیسیها در ستیز بودند در خلا جنگ جهانی اول و تشکیل پلیس جنوب، محور مبارزات ضد استعماری شدند و به دعوت علما علی الخصوص سید عبدالحسین لاری پاسخ مثبت دادند.

در ادامه موضع گیری های علما برای دفع شر نظامی بیگانگان و تشویق و تحریک مردم برای شرکت در جهاد نظامی، می توان به جریان حرکت مردم شیراز برای جهاد علیه متجاوزان جنوب به رهبری آیت الله شیخ محمدجعفر محلاتی و امداد آنان به دلاورمردان تنگستانی و برازجانی اشاره کرد. این عالم جلیل القدر در تأیید و دفاع از حرکت مبارزان شیرازی این چنین حکم جهاد صادر فرمودند که:

«...امروز مدافعه از حدود اسلام بر کافه مسلمین فرض عین است. مخصوصاً نظامیان و آنهایی که قدرت حمل اسلحه و قوت جنگ را داشته باشند.»^۲

با صدور چنین جملاتی از شیخ جعفر که حکم قطعی بر وجوب جهاد بود و خود نیز یکی از داوطلبان مبارزه با متجاوزان همراه مبارزین به جنوب آمده بود، سایر نیروهای ملی را برای نجات بوشهر از شهرهای هم جوار و نواحی مختلف بسیج کرد و در تهییج روحیات جهادی مردم و افزایش مبارزان نقش بسزایی داشت.^۳ آیت الله سید کاظم یزدی فتوای تاریخی خود را مبنی بر دفاع از حدود و مرزهای ممالک اسلامی در مقابل حمله

۱. مؤسسه قدر ولایت، در مشروطه چه گذشت، ج ۵، ص ۵۸۳.

۲. دوانی، علی، دانشمندان و سخن سرایان فارس، ص ۹۱.

۳. دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، ج ۱، ص ۳۴۱-۳۴۳.



تأثیرات نهضت تنباکو بر عملکرد سیاسی اجتماعی روحانیت

متجاوزان و اشغالگران قوای استعمار صلیبی یعنی کفار ایتالیا به طرابلس و غرب لیبی و روس و انگلیس به ایران خطاب به تمامی مسلمانان صادر نمود. این فتوای تاریخی را که اصل آن عربی است، مرحوم دوانی در کتاب نهضت روحانیون ایران از مجله العلم سال دوم شماره ششم ذیحجه سال ۱۳۲۹ ترجمه کرده که به آن اشاره می‌شود:

«بسم الله الرحمن الرحيم. در این ایام که دول اروپایی مانند ایتالیا به طرابلس، غرب لیبی حمله نموده و از طرفی روس‌ها شمال ایران را با قوای خود اشغال کرده‌اند و انگلیس‌ها نیز نیروهای خود را در جنوب ایران پیاده کرده‌اند و اسلام را در معرض خطر نابودی قرار داده‌اند، بر عموم مسلمین از عرب و ایرانی واجب است که خود را برای عقب راندن کفار از ممالک اسلامی مهیا سازند و از بذل جان و مال در راه بیرون راندن نیروهای ایتالیا از طرابلس غرب و اخراج هوای روس و انگلیس از ایران هیچ فروگذار نکنند. زیرا این عمل از مهم‌ترین فرایض اسلامی است تا به یاری خداوند دو مملکت اسلامی از تهاجم صلیبی‌ها محفوظ بماند.»^۱

بازتاب حکم جهاد مراجع و علما

برای روشن شدن هرچه بیشتر نقش محوری علما و مراجع در دفاع از کیان ملت و مملکت به تلگراف خوف آمیزی که وزیر خارجه وقت انگلیس به والی فارس مخبرالسلطنه هدایت می‌نویسد اشاره می‌شود:

«...تلگراف دیگر قنصلگری انگلیس در شیراز حاکی است که اهالی متعصب کازرون تحت ریاست شیخ همدانی ملای ژاندارمری به خانه مجتهدین رفته کاغذهایی در اعلان جهاد ارائه داده، علمای برازجان تلگراف‌های مفصل به علمای کازرون نموده‌اند که به آن‌ها ملحق شوند. خوبست که دولت ایران حکم کند که تلگراف‌خانه این‌گونه تلگراف‌ها را قبول ننماید و به حاکم و علما دستور داده شود از این حرکات جلوگیری نمایند.»^۲

مضمون این تلگراف‌ها تأثیر وجود زعمای روحانی و نقش حکم جهاد آن‌ها را در مقابله با قوای بیگانه کاملاً روشن می‌سازد.

۱. دوانی، علی، *نهضت روحانیون ایران*، ص ۲۱۰.

۲. همان، ص ۲۵۰.

تأثیرات نهضت تنباکو بر ارتقاء جایگاه مرجعیت و ولایت فقها

با بررسی مواضع عالمانه رهبران دینی در جریان نهضت تحریم تنباکو و حوادثی که در ادامه آن در فضای سیاسی جامعه ایران و دیگر ملل اتفاق افتاد، شاهد تصحیح بینش مردم نسبت به علما و روحانیون و ارتقاء بیش از پیش جایگاه مرجعیت و ولایت فقها در بین آنها هستیم. از این جهت بعد ولایی و حضور علما در مسائل سیاسی و امور حکومتی در ذهن مردم پررنگ شده و مردم خواستار عینیت بخشیدن به این مقوله از جانب فقها هستند. لذا در تمامی جریانات و اتفاقات سیاسی و حکومتی، منتظر کسب تکلیف از مراجع و علما بودند و پس از روشن شدن وظیفه، به عنوان حکمی از احکام الهی تا پای جان برای تحقق آن تلاش می‌کردند. این مسئله نزد هیئت حاکمه نیز این چنین بود چراکه جایگاه رفیع و معنوی مراجع و علما در قلوب مردم کاملاً برای سلاطین و حکومت‌ها نیز روشن شده بود و بدون در نظر گرفتن این نهاد سیاسی مذهبی هیچ تصمیمی را اتخاذ نمی‌کردند خود را به رعایت شئون و احترام به علما موظف می‌دانستند.^۱ در موارد متعددی ناصرالدین شاه با عذرخواهی از علما، به جایگاه مهم سیاسی - اجتماعی آنها اعتراف کرده و قول داده که از این به بعد ضمن مشورت با علما، هیچ‌گونه امتیازی به بیگانگان ندهد. در یکی از این مجالس خطاب به شیخ فضل‌الله نوری گفته است:

«سابق بر این رسم بود که علما در کارهای بزرگ مملکت طرف مشورت دولت می‌بوده‌اند. این رسم از میان رفته است. خوب وضعی نشده، از این به بعد باید کارهای عمده دولت به مشورت و صوابدید علما تمام شود. امتیاز دیگر به خارج نخواهیم داد.»^۲

نیکی کدی معتقد است حتی اقشار روشنفکر که تا قبل از نهضت تحریم تنباکو به دنبال رهبری جنبش‌های سیاسی - اجتماعی توسط علما نبودند، بعد از این واقعه به این نتیجه رسیدند که از این ظرفیت برای اهداف خود بهره‌برداری کنند.^۳ این مطلبی است که از چشم مأمورین سیاسی و دیپلمات‌های کشورهای بیگانه پنهان نمی‌ماند. سفیر

۱. کربلایی، حسن، همان، صص ۲۲۳ - ۲۲۲.

۲. همان، ص ۲۲۳.

۳. کدی، نیکی آر. *تحریم تنباکو در ایران*، ص ۱۷۲.



تأثیرات نهضت تنباکو بر عملکرد سیاسی اجتماعی روحانیت

روس دریکی از میهمانی بزرگی که در آن سفرای دیگر کشورها و رؤسای کمپانی رژی نیز شرکت داشتند، به این مطلب اذعان کرده و هشدار می‌دهد که این مرد مسلم القول (میرزای شیرازی) اگر روزی فتوا به تحریم تمامی امتعه و اجناس که از فرنگستان به ایران حمل و نقل می‌شود دهد و بنویسد که همچون سابق باید مایحتاج مسلمانان از داخل مملکت فراهم شود، درهای بزرگی از تجارت‌های دول اروپایی بالمره بسته خواهد شد. وی در ادامه به نفوذ حکم مجتهد و قدرت بلامنازه او این چنین اشاره می‌کند:

« این را هم سهل گیریم هرگاه این شخص بزرگ نافذالکلمه، حکم بدهد که بر مسلمانان حتم و لازم است که تمامی فرنگیان که در بلاد اسلام منتشرند همگی را باید قتل و اعدام نمود هیچ می‌دانید آنگاه چه خواهد شد و چه قدرها نفوس تلف شده ... من امروز شما خفتگان را بیدار نمودم تا فردا هیچ‌یک از شمارا نزد دولت متبوعه خود عذری نباشد.»^۱

تأثیرات نهضت تنباکو بر ارتقاء جایگاه مرجعیت و ولایت فقها نیز در سه محور مطرح می‌شود.

محور اول: تصویب جایگاه نظارتی فقها در قانون اساسی مشروطه

پس از جریان نهضت تحریم تنباکو و پیروزی آن توسط حمایت‌های مردم از مراجع و علمای شیعه، جایگاه ایشان چنان رو به فزونی یافت که جای خالی آن‌ها در هیچ‌یک از عرصه‌های اجتماعی و مسائل مهم مملکتی برای مردم و دستگاه حکومت قابل تصور نبود. حامد الگار در این زمینه می‌نویسد:

«اندکی پس از لغو تحریم ناصرالدین‌شاه خود را ناگزیر به احضار علمای تهران دید تا از آنان به سبب تقویت کردن اساس دولت سپاس‌گذاری کند و به آنان قول داد که در تمام کارهای مهم به صلاح‌دید و مشورت آن‌ها رفتار خواهد کرد.»^۲

در ادامه روند نهضت مشروطه و در مرحله تدوین قانون، عناصر سکولار غرب‌گرا که جز تقلید از فرهنگ منحن غرب به چیز دیگری فکر نمی‌کردند^۳ با تطبیق ناقص جامعه

۱. کربلایی، حسن، همان، ص ۱۶۴ - ۱۶۱.

۲. الگار، حامد، همان، ص ۳۲۴.

۳. مزینانی، محمدصادق، تمایزات فکری مشروطه خواهان مذهبی و غرب‌گرا، ص ۲۲۵.

ایران با اوضاع و تحولات غرب، برای جامعه ایران نسخه‌ای تدارک دیدند که نظریه‌های دینی و ضمانت اجرایی در آن کمتر دیده می‌شد و صورت مسئله درهاله‌ای از ابهام قرار گرفت. کمیسیونی جهت تکمیل قانون اساسی تشکیل می‌شود که اعضای آن غالباً از منورالفکران غرب‌گرا بودند. در این گروه متمم قانون اساسی بر مبنای قانون اساسی کشور بلژیک و فرانسه تهیه شد.^۱ بعد از مشروطیت، به علت افراط در تجدد، کم‌کم برخی از همین مشروطه خواهان منورالفکر شروع به توهین و هتاک‌ها به اصول اعتقادی تحت عنوان خرافات و سپس اهانت به علما و دیانت کردند.^۲ مشروطه لب پر نگاه انحراف قرار می‌گیرد که باز عالمی تیزبین و بصیر به میدان نبرد آمده و دسیسه‌های روشنفکران غرب‌گرا را نقش بر آب می‌کند. مرحوم شیخ فضل‌الله نوری که از مبارزان باسابقه و از پیشگامان نهضت بود اقدامات اصلاحی خود را آغاز می‌کند. لذا از آنجا که اساس مشروطه بر شورا و مجلس بود و قانون‌گذاری از سوی نمایندگان ملت، از مهم‌ترین و اصیل‌ترین اهداف آن به شمار می‌رفت، طرح اولیه شیخ برای کنترل نمایندگان و تصحیح لوایح پیشنهادی آن‌ها این بود که یک هیئت از فقهای واجد صلاحیت، بر قوانین طرح‌شده در مجلس نظارت داشته باشند تا قوانین مصوبه در آن با موازین شرعی مطابقت داشته باشد. اصول اساسی طرح ایشان چنین است:

«این مجلس ... باید در هیچ عصری از اعصار، مواد قانونیه آن، مخالفتی با قواعد مقدسه ... نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامی، بر عهد علمای اعلام هست. لہذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار، هیئتی که کمتر از پنج نفر نباشد، از طراز اول مجتهدین و فقیه متدینین تشکیل شود که قوانین موضوعه را قبل از تأسیس به دقت ملاحظه و مذاکره نمایند؛ و هر یک از آن مواد مصوبه که مخالف با قوانین شریعت باشد، عنوان قانونیت پیدا نخواهد کرد، و امر این هیئت علما در این باب، مطاع و متبع است و این ماده هیچ وقت تغییر پذیر نخواهد بود. حرره الاحقر فضل‌الله النوری.»^۳

۱. نجفی و حقانی، موسی، *تاریخ تحولات سیاسی ایران*، ص ۳۲۷.

۲. همان ص ۳۲۸.

۳. همان ص ۳۵۴.



تأثیرات نهضت تنباکو بر عملکرد سیاسی اجتماعی روحانیت

به دنبال این رویه و تفکر سیاسی شیخ، مخالفان یا باید آن را می‌پذیرفتند که از نفوذ بدعت جلوگیری می‌شد یا آن را رد کنند که در این صورت چهره انحرافی‌شان برای مراجع علمای طرفدار مشروطه آشکار می‌شد علماً یک دست شده و آنها را از پست‌های حساس مملکتی برکنار می‌کردند. لذا علمای نجف پس از روشن شدن چهره واقعی غرب‌گرایان، اگرچه دیر هنگام اما تصریحاً به تأیید خط سیاسی شیخ پرداختند.^۱

مدل برخورد شیخ فضل‌الله و متن لایحه تصویبی نظارت فقها بر مجلس که در واقع نوعی واکسینه کردن قوانین مدنی ایران بود کاملاً نشان‌دهنده قدرت و استقلال است که از نهضت تنباکو و فتوای میرزا برای فقها و علما برجای مانده است. از برکات این ضابطه اجتهادی شیخ در قالب لایحه نظارت فقها بر مجلس، ورود روحانی نیرومندی چون شهید مدرس به مجلس شد که سدی محکم در مقابل طرفداران بدعت و نفوذ استعمار غرب بود. امام خمینی که یکی از پشتوانه‌های فکری سیاسی خود را مشروطه می‌داند در تحلیلی آشکار تمام عقب‌افتادگی‌ها و بدبختی‌های از مشروطه به بعد را حاصل سرکار آمدن عده‌ای روشنفکر و کنار گذاشتن روحانیت و رهبران دینی از منصب قانون‌گذاری می‌داند. ایشان می‌فرمایند:

«روحانیون را یکسره از دخالت برکنار کردند و با توطئه‌های مودیانه و تبلیغات مسموم ملهم از غرب که توسط روشنفکران غرب و شرق زدگان خائن یا نفهم صورت می‌گرفت مجلس را از نظر روحانیون و متدینین به‌گونه‌ای ساخته بودند که دخالت در انتخابات از معاصی بزرگ و اعانت به ظلم و کفر بود و روحانیت به کلی از صحنه خارج شد و به انزوا کشیده شد و دست قلدران و شرق و غرب‌زدگان باز شد و کشور را به آنجا کشاندند که دیدیم و دیدید!»^۲

۱. رضوانی، هما، *لوايح آقا شيخ فضل الله نوري* ص ۴۷.

۲. امام خمینی، *صحیفه نور*، ج ۱۸، ص ۲۳۱.

محور دوم: تقویت و استحکام رابطه ولایی علما و مردم

تا قبل از قیام تنباکو می‌توان نمونه‌هایی از ولایت مداری مردم را در قضایای مختلف^۱ مشاهده کرد؛ ولی این تبعیت‌ها به صورت یک نظام سیاسی و مبارزاتی مداوم نبوده از این جهت پس پیروزی جنبش تنباکو شاهد رشد روزافزون همکاری و هم‌افزایی بین دو نهاد امت و امامت هستیم به‌گونه‌ای که تکیه بر نقش مردم در حکومت و انتخاب سرنوشت خود، در اندیشه سیاسی علما بارور می‌شود و به منصفه ظهور می‌رسد. به تبع آن رهبران نهضت خواهان مشارکت سیاسی بیشتر مردم در حکومت می‌شوند و چون به عنوان رهبران دینی و معنوی جامعه مورد قبول مردم هستند، لذا خواسته آنان در حرکت‌های اجتماعی و سیاسی مورد اقبال جامعه قرار می‌گیرد. از سوی دیگر نیز مردم در تمام اتفاقات و جریان‌های مهم سیاسی اجتماعی تنها ملجأ و پناهگاه رسیدگی به امورات دینی و دنیوی خود را علما و روحانیون می‌دیدند.

این خودآگاهی سیاسی که با روشنگری‌های علما ایجاد شده بود سرآغاز تحولات سرنوشت یک قرن پس از خود را رقم زد. چرا که عموم مردم به تحقق عینی آموزه‌های دینی به‌ویژه بحث ولایت مداری تمایل پیدا کرده و وقتی پیروزی خود را در برابر استبداد و استعمار دیدند نه تنها امید آنان به تحقق و توسعه عینی ولایت افزایش یافت به‌گونه‌ای که خواستار ارتقای سطح اعمال ولایت در جامعه شدند که درنهایت به شکل‌گیری جمهوری اسلامی انجامید.

حضرت امام خمینی نیز با الگوپذیری از نهضت تنباکو و عناصر سیاسی مذهبی آن دوره در سخنانی بسیار مهم تأکید دارند که تقویت همین رابطه ولایی بین مردم و علما بود که موجب پیروزی نهضت شد و آن را عاملی مهم برای رشد و موفقیت هرچه بیشتر انقلاب اسلامی می‌دانند.

«عامل اصلی پیروزی نهضت تنباکو قدرت روحانیت بود که در شخص میرزای شیرازی بزرگ و علمای ایران جمع آمده بود و باعث شد که وحدت و همبستگی بزرگی بین فقها و علمای اسلام و نیز بین روحانیت و مردم به وجود آید و استعمار انگلیس را که در آن زمان به صورت یک امپراتوری بزرگ

۱. نظیر جریان حمله به سفارت‌خانه روس و قتل گریبایدف به امر میرزا مسیح مجتهد، حضور در جنگ‌های ایران و روس به امر مرحوم کاشف الغطاء و غیره



در آمده بود و به راحتی در کشورها نفوذ می کرد و آن ها را مستعمره خویش می ساخت شکست دهد.^۱»

محور سوم: تأسیس نظام سیاسی بر مبنای ولایت فقیه

رهبری سیاسی فقها در دوران پس از غیبت امام عصر(عج) نزدیک به شش قرن یعنی از آغاز قرن چهارم تا آغاز قرن دهم، به سبب شرایط پیچیده آن دوران، بیشتر جنبه کلاسیک و نظری داشت و فقها در حوزه عمل کمتر وارد می شدند. پس از قرن دهم و با روی کار آمدن صفویان تا اواسط حکومت قاجاریه، دوران جدیدی آغاز شد که بر اساس آن فقها و مراجع تقلید برای نخستین بار وارد حوزه سیاست شدند. این سیر تدریجی در نهایت با فتوای میرزای شیرازی به اوج خود رسید و به شکل گیری نظریه ولایت فقیه به صورت عملی در عرصه جامعه منجر شد؛ چرا که فتوای میرزای شیرازی برای مردم یک حکم شرعی صرف نبود، بلکه از یک سو نقطه عطفی در تحول فقه سیاسی شیعه و رهبری سیاسی روحانیت بود؛ و از سویی دیگر با افزایش آگاهی مردم زمینه ساز پذیرش جایگاه ولایی مرجعیت به عنوان نائب عام امام معصوم علیه السلام از جانب آن ها شد.

این خودآگاهی در انقلاب اسلامی، خود را بیشتر نمایان کرد؛ چرا که در ذهنیت مردم جایگاه رفیع مرجعیت شیعی و ولایت عینی آن متبلور شد و در واقع فرایند جنبش تنباکو و تحکیم جایگاه فقها توانست شأن ولایی مرجعیت را به عینیت اجتماعی برساند و زمینه ساز تاریخی شکل گیری انقلاب اسلامی شود. امام خمینی تجلی قدرت و توانمندی سیاسی روحانیت در نهضت تحریم تنباکو را پشتوانه ای برای همه مراکز حوزوی می دانند و توجه، نظر و عمل دقیق به وظایف و مسئولیت های سیاسی اجتماعی علما و فقهای اسلامی را بسیار حیاتی و ضروری معرفی می کنند. ایشان در این رابطه می فرمایند:

«به ما آن طور دست های توطئه گر تزریق کردند که ماها هم باورمان آمده است تو چه کار داری به این که چه میگردد! تو مشغول درست باش! پیغمبر هم می گفت سیاست به ما چه کار دارد امیرالمومنین هم که حکومت داشت ... حکومتی داشت برای ذکر گفتن و برای قرآن خواندن و برای نماز خواندن و

۱. امام خمینی، همان، ج ۸، صص ۴۵۱-۴۵۲.

همین دیگر! حکومت بود ولایت بود و تجهیز جیوش بود همه اش سیاست است این‌ها... البته علمای ما در طول تاریخ این طور نبود که منعزل از سیاست باشند مسئله تحریم تنباکو یک مسئله سیاسی بود و میرزای شیرازی - رحمه الله - این معنا را انجام داد.^۱

قیام تنباکو و نهضت‌هایی که پس از آن به وقوع پیوست نشان داد که فقها و عالمان دین، بحث ولایت‌فقیه را علماً و عملاً پذیرفته‌اند و پیوسته مترصد فرصتی هستند تا آن را پیاده کنند. حاکمیت ولایت‌فقیه و تشکیل حکومت اسلامی که ثمره انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری مراجع و علما بود را می‌توان در همین راستا به نهضت تنباکو متصل دانست. نگاه علما درباره کیفیت پیاده کردن بحث ولایت‌فقیه بستگی به شرایط زمانی و مکانی دارد. چنانچه فقیهی توانست و بسط ید پیدا کرد، مسلماً به تشکیل حکومت اسلامی نیز خواهد پرداخت، اما اگر نتوانست و حکومت به دست حاکمان جور بود، به اندازه‌ای که بتواند، ولایت خود را اعمال می‌کند.

سرانجام پس از سال‌ها تلاش بی‌وقفه علما، مراجع و روحانیون که در صف اول مبارزه علیه ظلم و ستم بودند و حمایت‌های بی‌دریغ مردم از رهبری نهضت، انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) بر پایه ولایت‌فقیه و باهدف جایگزینی نظام ولایت‌فقیه به جای نظام شاهنشاهی، در سال ۱۳۵۷ بنیان نهاده شد. امام خمینی در بخشی از بیانات خود حاکمیت ولایت‌فقیه و اهداف تشکیل حکومت اسلامی را مبارزه با استبدادی بیان می‌کنند که نهضت تنباکو بر اساس آن شکل گرفت.

«استبداد را ما می‌خواهیم جلوی‌اش را بگیریم. با همین ماده‌ای که در قانون اساسی است که ولایت‌فقیه را درست کرده این استبداد را جلوی‌اش را می‌گیرند.»^۲

۱. امام خمینی، همان.

۲. امام خمینی، همان، ج ۱۱، ص ۴۶۴.



نتیجه‌گیری:

مبارزه علمای بزرگ و روحانیون با قراردادهای ننگین استعماری به‌ویژه مقابله آنان در جریان نهضت تنباکو اثرات و نتایج کوتاه‌مدت و درازمدت بسیار خوبی را در تاریخ معاصر ایران داشته است به‌طوری‌که اگر نبود این جان‌فشانی‌ها، فداکاری‌ها و موضع‌گیری‌های دقیق و به‌موقع مرزبانان صادق دین، چه‌بسا تا به امروز جز نامی از ایران باقی نمانده و ایران نیز جزو کشورهای مستعمره قرار داشت.

حال در خاتمه این رساله به‌عنوان نتیجه به مختصری از آثار عظیم نهضت تحریم تنباکو به‌عنوان جنبشی که رأس و محوریت آن مراجع و روحانیت شیعه بود و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی که بر عملکرد سیاسی اجتماعی این نهاد مذهبی گذاشت اشاره می‌شود:

اولین تأثیر این نهضت شکسته شدن ابهت شاه بود که زمینه آن از درون خود نهضت آغاز شد و سپس بعد از نهضت در عملکرد مردم و روحانیون تأثیرگذار بود به‌گونه‌ای که یکی از شاگردان سید جمال‌الدین اسدآبادی اقدام به قتل ناصرالدین‌شاه کرد.

دومین اثر این نهضت بر عملکرد علما حرکت شاگردان مختلف میرزای شیرازی در قالب نهضت عدالت‌خانه و مشروطه بود که منجر به محدود کردن اختیارات شاه در قالب قانون مصوب مجلس بود که این قانون هم مقید به نظارت فقها شده بود.

سومین اثر این نهضت تلاش‌های بعدی روحانیون و علمای شیعه برای حذف اساس سلطنت در ایران بود که در نهضت امام خمینی به رهبری این عالم شیعی شروع شد و نهایتاً با پیروزی انقلاب اسلامی به ثمر نشست.

چهارمین اثر این نهضت در عرصه مبارزه با استعمار بود که در تداوم این نهضت، علمای شیعه اقدام به مقابله با هجمه اقتصادی استعمار در قالب نهضت تحریم کالاهای خارجی و حمایت از تولید کالای داخلی و تأسیس شرکت‌های اقتصادی داخلی نمودند. پنجمین اثر این نهضت اقدامات علمای شیعه در جهت مقابله با تهدیدات نظامی استعمار بود که در مقاطع مختلف با صدور فتوا و بیانیه و اعلامیه در این زمینه اقدامات مهمی داشتند.

ششمین اثر این نهضت شکسته شدن ابهت استعمار انگلیس بود که خود را بریتانیای کبیر نامیده بود و با مستعمرات گسترده در دنیا برای خود ابهت و قدرتی خاص فراهم

کرده بود ولی در این نهضت با حرکت مردمی ایرانیان بر مبنای یک حکم شرعی مرجعیت، متحمل شکست سخت و مفتضحانه ای شد و هیبت پوچ و توخالی آن فرو ریخت.

هفتمین اثر این نهضت ارتقاء جایگاه سیاسی اجتماعی علما در بین سلاطین و دربار و همچنین در بین رؤسای کشورهای خارجی بود که بعد از این نهضت با احترام بیشتری نسبت به علما رفتار می کردند و سعی کردند در اقدامات خود مراقب رعایت نظرات و دیدگاه‌های علما باشند.

هشتمین اثر این نهضت تقویت رابطه بین مردم و علما بود. تبعیت مردم از حکم ولایی میرزای شیرازی و مشاهده نتایج اجتماعی و سیاسی این تبعیت و ولایت‌پذیری موجب شد که بیش از پیش رابطه بین مردم و علمای شیعه به‌ویژه در عرصه‌های سیاسی اجتماعی قوی‌تر و محکم‌تر شود.

نهمین اثر این نهضت پس از تقویت رابطه ولایی بین مردم و علما، حرکت علمای شیعه به رهبری امام خمینی برای تشکیل نظام سیاسی اسلامی بر مبنای ولایت‌فقیه بود که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران محقق شد.

در مجموع این قیام موجب زنده ماندن جایگاه روحانیت و بیمه شدن آن در دل‌های مردم این مملکت گردید. حسن ختام قرن‌ها و سال‌ها تلاش‌های جان‌فرسا و خستگی‌ناپذیر مرزبانان بصیر دین و همیشه در صحنه، پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت فقه و فقاہت بود که حضرت امام خمینی آن را در راستای خط فکری علما و اساتید سلف خود چون میرزای شیرازی‌ها، نائینی‌ها، مدرس‌ها و امثالهم سامان داد. لذا او را به حق باید حلقه مفقوده جنبش اسلامی در ایران دانست که حرکت‌ها و قیام‌های پیش از خود را تکمیل کرده به اتمام رسانید و در نهایت دودمان نظام شاهنشاهی را از مملکت برچید و به جای آن حکومت جمهوری اسلامی با حاکمیت فقه و ولایت فقها بنا نهاد.



منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، **عیون اخبار الرضا**، مترجم: محمدتقی نجفی اصفهانی، نشر نبوغ، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، **الأمالی**، ناشر کتابچی، تهران ۱۳۷۶.
۳. ابوالحسنی، علی، **آخرین آواز قو**، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ سوم، تهران ۱۳۸۵.
۴. ابوالحسنی، علی اندیشه سبز، زندگی شیخ فضل الله نوری، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران چاپ سوم، ۱۳۸۵.
۵. آدمیت، فریدون، **ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران**، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۶. اعلام قدسی، حسن، **خاطرات من یا تاریخ صدساله ایران**، نشر شهاب ثاقب و سخن، تهران چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۷. افندی، ملاً عبدالله اصفهانی، **ریاض العلماء و حیاض الفضلاء**، قم، کتابخانه مرعشی، ۱۴۰۱ق.
۸. افندی، میرزا عبدالله، **تعلیقہ امل الامل**، تصحیح سید احمد حسینی، مرعشی، ۱۴۱۰ق.
۹. آل احمد، جلال، **در خدمت و خیانت روشنفکران**، نشر انتشارات خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۵۷.
۱۰. الگار، حامد، **دین و دولت در ایران (علما دوره قاجار)**، ابوالقاسم سری، چاپ دوم، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۹.
۱۱. آیت اللهی، محمدتقی، **ولایت فقیه زیربنای فکری مشروطه مشروع**، تهران، نشر امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
۱۲. بامداد، مهدی، **شرح حال رجال ایران**، تهران، نشر زوار، چاپ ششم، ۱۳۸۷.
۱۳. براون ادوارد، **انقلاب مشروطیت ایران**، ترجمه مهدی قزوینی، نشر کویر، تهران چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۱۴. بحرانی، شیخ یوسف، **الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة**، نجف، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۸۱ق.
۱۵. بحرانی، یوسف، **لؤلؤة البحرين**، تحقیق محمدصادق بحر العلوم، نجف، مطبعة الحیدریه، بی تا.



۱۶. تاورنیه، سفرنامه، ترجمه ابو تراب نوری، به کوشش حمید شیروانی، تهران، سنائی ۱۳۶۶.
۱۷. تبریزی اصفهانی افندی، میرزا عبدالله، گزارشی از کتاب فیروزه شجاعیه به جهت سده سنیه سلطان حسینیه، به کوشش رسول جعفریان، بی جا، بی نا، ۱۳۷۸ ش.
۱۸. ترکمان، محمد، رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات شیخ فضل الله نوری، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۱۹. تهرانی محمدعلی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۲۰. تهرانی، شیخ آقابرگ، طبقات اعلام الشیعه، نقباء البشرفی القرن الرابع عشر، تهران، مکتبه، متحف و مرکز وثائق مجلس الشوری الاسلامیه، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه.
۲۱. تیموری ابراهیم، عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، انتشارات اقبال، تهران ۱۳۳۲.
۲۲. تیموری، ابراهیم، تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران، چاپ سوم، ۱۳۶۱.
۲۳. تنکابنی، محمد، قصص العلماء، تهران، علمیه اسلامیه، ۱۳۶۴.
۲۴. جزائری، سید نعمت الله، الانوار النعمانیة، تبریز، چاپ دوجلدی.
۲۵. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه ولایت فقاوت و عدالت، قم، مرکز نشر اسراء ۱۳۸۵.
۲۶. خوانساری اصفهانی، محمداقبر، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، تصحیح سید محمدعلی روضاتی، اصفهان، ۱۳۴۱.
۲۷. دونای، علی، نهضت روحانیون ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۲۸. دولت آبادی، یحیی، حیات یحیی، انتشارات فردوسی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۲.
۲۹. رائین، اسماعیل، انجمن های سری در انقلاب مشروطیت، تهران، نشر جاویدان، ۱۳۵۵.
۳۰. لوائج شیخ فضل الله نوری، به کوشش هما رضوانی، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲.
۳۱. روملو، حسن بیگ، احسن التواریخ، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، بابک، ۱۳۵۷.
۳۲. رجایی، غلامعلی، ایران و کریم خان زند، نشر نیکتاب، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۳۳. رجبی، محمدحسن، علمای مجاهد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۳۴. زرگری نژاد، غلامحسین، رسائل مشروطیت، انتشارات کویر، چاپ اول، ۱۳۴۷.
۳۵. سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، سحر، ۱۳۶۶، نشر مرکز، ۱۳۷۹.
۳۶. شیرازی، صدرالدین محمد ملاصدرا، رساله سه اصل، به کوشش حسین نصر، تهران، ۱۳۶۰.



تأثیرات نهضت تنباکو بر عملکرد سیاسی اجتماعی روحانیت

۳۷. شعبانی، رضا؛ تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی ایران در دوره‌های افشاریه و زندیه؛ تهران: سمت، چاپ چهارم، ۱۳۸۱.
۳۸. صفائی، ابراهیم، اسناد سیاسی دوران قاجاریه، تهران، نشر بابک، چاپ دوم، ۱۳۵۵.
۳۹. طباطبایی، محمد محیط، دادگستری در ایران از انقراض ساسانی تا ابتدای مشروطیت، تهران، نشر وحید، ۱۳۴۷.
۴۰. عاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، انتشارات آل البیت لإحیاء التراث قم.
۴۱. عیسوی، چارلز، تاریخ اقتصادی ایران، تهران، نشرگسترده، چاپ اول، ۱۳۶۲.
۴۲. غفاری، ابوالحسن، گلشن مراد، تهران، نشری جا بی‌نا، چاپ اول، سال ۱۳۶۹.
۴۳. فوران، جان، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۴۴. قمی، عباس، فواید الرضویه، به کوشش دکتر عقیقی بخشایشی، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۴۵. کربلایی، حسن، تاریخ دخانیه، به کوشش رسول جعفریان، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۴۶. کسروی، احمد، تاریخ مشروطه، انتشارات امیرکبیر، تهران چاپ نهم، ۱۳۵۱.
۴۷. کسروی، احمد، تاریخ هجده‌ساله آذربایجان، انتشارات مجید، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
۴۸. کرمانی ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام سعیدی سیرجانی، نشر پیکان، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۶.
۴۹. کرکی، محقق، رساله قاطعه اللجاج فی تحقیق حل الخراج، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۵۰. کلینی، محمد یعقوب، اصول الکافی، مترجم و شارح رسولی، هاشم و مصطفوی، جواد، نشر کتاب‌فروشی علمیه اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.
۵۱. لک زایی، نجف، چالش سیاست دینی و نظم سلطانی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۵۲. لکه‌پارت، لارنس، نادرشاه، ترجمه مشفق همدانی، تهران، صفی علی شاه، ۱۳۳۱.
۵۳. مدنی، جلال‌الدین، تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.



۵۴. معصوم شیرازی، محمد (معصوم علیشاه)، طرائق الحقایق، تصحیح محمدجعفر محبوب، تهران: انتشارات سنایی، چ ۲، بی تا.
۵۵. ملک‌زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.
۵۶. ملک‌خان، میرزا، روزنامه قانون، به کوشش و با مقدمه هما ناطق نمره بیست.
۵۷. ملک‌م، سرجان، تاریخ کامل ایران، به کوشش نهایندی، علی‌اکبر، مترجم حیرت، اسماعیل بن محمدعلی، مصحح: قمی نژاد، مهدی، نشر افسون، تهران ۱۳۴۷.
۵۸. مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، در مشروطه چه گذشت، نشرمؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۵۹. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۶۰. موسوی خمین، روح الله، کوثر، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، تهران، مهر ۱۳۷۱ ش.
۶۱. موسوی، میرزا محمدصادق (نامی اصفهانی)، تاریخ گیتی گشا در تاریخ خاندان زند، تهران، نشر امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
۶۲. نجفی موسی، فقیه حقانی موسی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران، چاپ هشتم ۱۳۹۲.
۶۳. نجفی، موسی، حکم نافذ آقا نجفی، تهران، نشر بی‌جا بی‌نا، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۶۴. نجفی، موسی، اندیشه تحریم و خود باوری، تهران، نشرمؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۶۵. نجفی، موسی، جعفریان، رسول، سده تحریم تنباکو، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۶۶. نفیسی، سعید، کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهایی، تهران، چکامه، چاپ سوم ۱۳۱۶.
۶۷. نوایی، عبدالحسین، اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از سال ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵ هـ. ق. همراه با یادداشت‌های تفصیلی، نشر بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۶۰.
۶۸. وره‌رام، غلامرضا، تاریخ سیاسی اجتماعی ایران در عصر زند، تهران، نشر معین، چاپ اول، ۱۳۸۵.